

هشدار پاکستان: مسوول عواقب تنش‌ها افغانستان است!



اسلام آباد روز سه‌شنبه هشدار داد که اگر برخوردها در امتداد خط دیورند با افغانستان شدت بگیرد، مسوول عواقب آن حکومت افغانستان خواهد بود.

وزارت خارجه پاکستان در یک اعلامیه‌ی خبری گفت که به روز دوشنبه مرزبانان افغان تأسیسات نظامی پاکستان را در نزدیکی ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار، آماج حملات راکتی قرار دادند. مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که در آتش‌باری نیروهای افغان پنج سرباز پاکستانی مجروح شدند، اما نظامیان پاکستان از تبادل آتش خودداری ورزیدند.

وزارت خارجه پاکستان روز سه‌شنبه محمد موسی عارفی، شارژدافیر افغانستان در پاکستان را احضار کرد و در باره رویداد مرزی اعتراض کرد. پیش از این وزارت خارجه افغانستان شارژدافیر پاکستان در کابل را برای ارائه توضیحات در باره تنش‌های موجود در اطراف خط دیورند، فرا خوانده بود.

مقام‌های افغان تا حال رویداد روز دوشنبه را تایید یا رد نکرده‌اند.

زاخیل وال: برخی وکلا در قاچاق مواد مخدر و شراب دست دارند اگر زاخیل وال اسناد ارایه نکند با برخورد جدی مواجه می‌شود



صفحه ۶

وزیر اقتصاد:

پالیسی مدون و پاسخگوی اقتصادی نداشتیم

ترس از بی‌ثباتی پس از سال ۲۰۱۴، در دسرهای بزرگی برای افغانستان خلق کرده است

او، کارگرانی که در یک هفته کمتر از ۳۵ ساعت کار می‌کنند، دارای شغل ناقص هستند. او ابراز نگرانی که کرد با گذشت هر روز به شمار افرادی که دارای شغل ناقص هستند، افزوده می‌شود.

در ده سال گذشته هزاران افغان در موسسات، شرکت‌ها و قراردادی‌های نیروهای خارجی با معاش بلند مصروف کار بودند اما حالا این نگرانی افزایش یافته که با خروج این نیروها سرنوشت این کارگران چی خواهد شد.

آقای ارغندیوال گفت ترس از بی‌ثباتی پس از سال ۲۰۱۴ در دسرهای بزرگی برای... ادامه صفحه ۶

هزار افغان برای یافتن کار وارد بازار کار می‌شوند ولی برای هیچ یک از این‌ها، فرصت شغلی وجود ندارد. حالا بانک جهانی با تقویت سکتر خصوصی می‌خواهد با افغانستان در این راستا همکاری کند.

عبدالهادی ارغندیوال، وزیر اقتصاد روز سه‌شنبه در سمیناری که به منظور زمینه‌سازی اشتغال درازمدت در کابل برگزار شده بود، گفت: «متأسفانه ما دارای پالیسی مدون اقتصادی که جوابگوی نیازهای ملی ما باشد، نبودیم».

ارغندیوال گفت ۴۸ درصد نیروی کار افغانستان یا بیکار است و یا دارای کار ناقص هستند. به گفته



دولت افغانستان می‌گوید که تلاش‌ها برای یافتن راه‌های اشتغال درازمدت را آغاز کرده است. مقام‌ها می‌گویند صدها هزار نفر سالانه وارد بازار کار می‌شوند ولی برای آن‌ها کاری وجود ندارد. بر اساس آمار وزارت اقتصاد افغانستان هر سال ۵۰۰

ملل متحد:

مشکل مواد مخدر در افغانستان در کوتاه‌مدت حل نمی‌شود



درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را درآمد ناشی از تریاک تشکیل داده است.

افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در سطح جهان است و حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان از این کشور جنگ زده تأمین می‌شود. این در حالی است که از یک دهه به اینطرف تلاش... ادامه صفحه ۶

دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد گفته است که وابستگی اقتصاد افغانستان به مواد مخدر در سال گذشته میلادی کاهش یافته است، اما هنوز ده درصد اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد روز دو شنبه در وینا گفت که ارزش تریاک صادر شده از افغانستان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۱.۹ میلیارد دلار تخمین شده است. البته این مبلغ ارزش مواد کمیاب‌تری استفاده شده در ساخت مواد مخدر را شامل نمی‌شود.

در سال ۲۰۱۱ برآورد شده بود که صادرات تریاک ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل می‌دهد. اما دفتر مبارزه با مواد مخدر ملل متحد در بررسی سالانه خود گفته است که به دلیل آب و هوای نامناسب و شیوع آفات نباتی در سال گذشته ۱۰

اعتصاب معلمان در غزنی ادامه دارد



اعتصاب کاری معلمان شهر غزنی و شماری از ولسوالی‌های آن به دلیل عدم توزیع شهرک به آنها وارد هفتمین روز خود شده، اما به خواست‌های آنها رسیده‌گی نشده است. شاگردان مکتب‌ها همچنان بی‌سرنوشت به سر می‌برند و درس عملاً تعطیل است.

اعتصاب معلمان شهر غزنی، نواحی... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

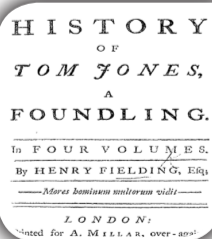


دیورند؛ پرونده بسته یا باز؟

جان استوارت میل و اندیشه عدالت



تام جونتز



قانون اساسی و آرمان عدالت خواهی



نثار احمد فیضی غوریانی - عضو مجلس نماینده‌گان

دیورند؛ پرونده بسته یا باز؟

اصلی این جاست که تا چه زمانی این مساله میان دو کشور باید حل نشده باقی بماند و به تنش و درگیری منجر شود. همین حالا آنچه که در ولسوالی «گوشته» می‌گذرد، این نگرانی را به وجود آورده که مبادا افغانستان وارد یک جنگ تمام‌عیار با یکی از همسایه‌های خود شود.

نگرانی این جاست که دولت افغانستان هنوز مشکلات میان دو کشور را تنها در مسایل اطراف خط دیورند تقلیل می‌دهد و خطرات دیگری را که از سوی این کشور متوجه افغانستان است، نادیده می‌گیرد. ما با کشور پاکستان بر سر مسایل مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی مشکل جدی داریم و این کشور هنوز از حمایت گروه‌های شورشی و دهشت‌افکن دست برنداشته است. از جانب دیگر، در طول یک سال و اندی، پاکستان مناطق مرزی افغانستان را آماج حملات توپ‌خانه‌یی و راکتی قرار داده است که در نتیجه آن‌ها، هزاران باشندۀ مناطق شرقی و جنوبی کشور، از مناطق شان بی‌جا شده‌اند. دولت افغانستان با وجود هشدارهای مکرری که از سوی مقام‌های محلی مناطق شرقی و جنوبی کشور در این خصوص ابراز شد، هیچ اقدام سازنده، پی‌گیرانه و دقیق که متکی بر اصول دیپلماسی و روابط بین‌الملل باشد، انجام نداد.

مناطق شرقی و جنوبی کشور ما در حالی از سوی شبه‌نظامیان پاکستانی مورد حمله قرار گرفت و می‌گیرد که هزاران سرباز خارجی در افغانستان حضور دارند و دولت با بیشتر این کشورها پیمان‌های استراتژیک امضا کرده است.

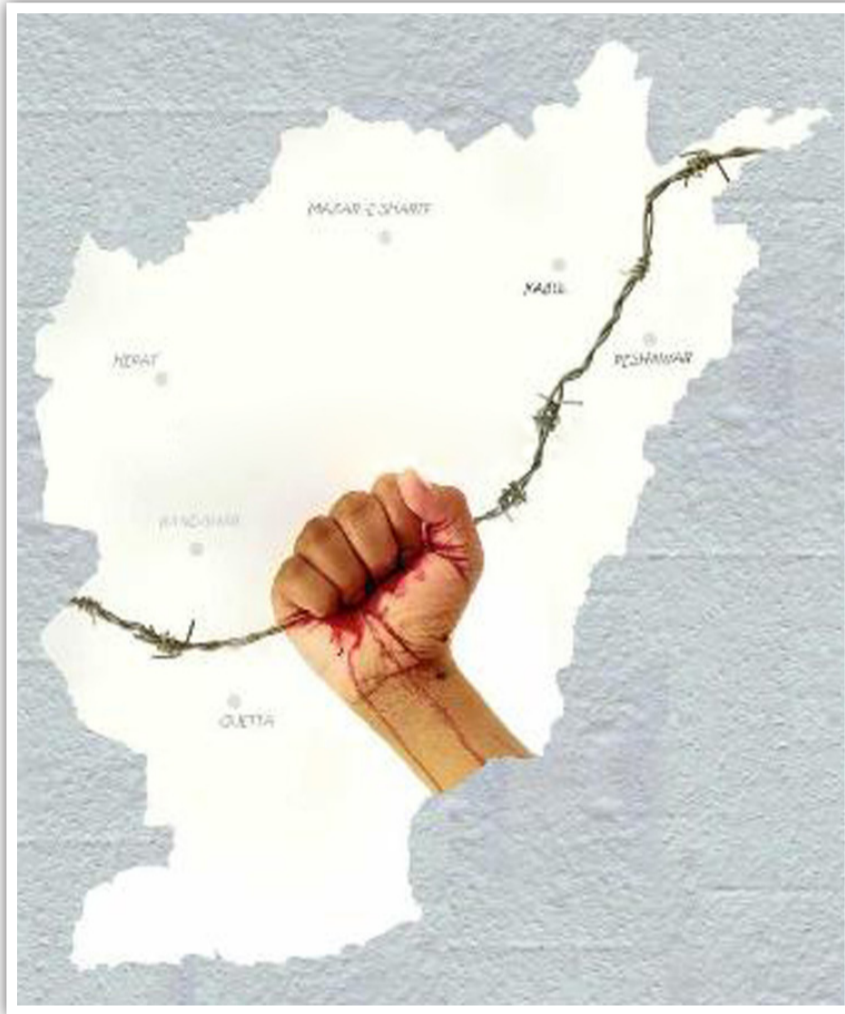
از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل، همواره آمادۀ شنیدن سخنان دولت‌مردان کشور در خصوص مناسبات و مشکلات ما با کشورهای همسایه بوده، ولی مشخص نیست که چرا دولت افغانستان از طرح این مسایل در جوامع بین‌المللی سر باز زده است.

پیشروی نیروهای پاکستانی در داخل خاک افغانستان، نگرانی‌های زیادی را می‌تواند به دنبال داشته باشد؛ به ویژه این‌که افغانستان در آستانه خروج نیروهای ناتو قرار دارد و هم‌زمان با خروج نیروهای ناتو، مساله دفاع مستقلانه و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز مطرح است. مسلماً افغانستان در شرایط جنگ و رویارویی، نخواهد توانست به این دو هدف بزرگ ملی دست یابد و بدون تردید، عدم موفقیت در هر یک از این دو هدف بزرگ ملی، بدون تردید، عدم موفقیت در هر یک از این دو هدف، مشکلات بزرگی را دامن‌گیر کشور خواهد کرد.

پیشروی نیروهای پاکستانی در داخل خاک افغانستان، نگرانی‌های زیادی را می‌تواند به دنبال داشته باشد؛ به ویژه این‌که افغانستان در آستانه خروج نیروهای ناتو قرار دارد و هم‌زمان با خروج نیروهای ناتو، مساله دفاع مستقلانه و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز مطرح است. مسلماً افغانستان در شرایط جنگ و رویارویی، نخواهد توانست به این دو هدف بزرگ ملی دست یابد و بدون تردید، عدم موفقیت در هر یک از این دو هدف، مشکلات بزرگی را دامن‌گیر کشور خواهد کرد.

مختومه می‌دانند و به این نظر اند که مرزهای فعلی میان دو کشور، مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی استند و نباید به حساسیت‌ها در این خصوص دامن زد. به باور این افراد، بخشی از مشکلات میان دو کشور و حتا ناامنی‌های افغانستان، ناشی از نگرانی‌هایی است که در میان نظامیان و سیاست‌مداران پاکستانی نسبت به مرز دیورند وجود دارد.

پاکستان در خصوص اظهارات رییس‌جمهور کرزی، موضع‌گیری کرده و بحث در مورد دیورند را خاتمه‌یافته خوانده است. اما مساله



پیشروی چهل و پنج کیلومتری نیروهای پاکستان در داخل خاک افغانستان و ایجاد پاسگاه در این سوی مرز، می‌تواند نشانه تجاوز و نقض حاکمیت ملی کشور ما به شمار رود. هرچند نیروهای پولیس و ارتش، پاسخ این پیشروی را در دو مورد به طرف مقابل داده‌اند، ولی این‌گونه واکنش‌ها به معنای پایان دادن به کل معضلی که میان دو کشور از سال‌ها قبل وجود داشته، نمی‌تواند پنداشته شود. گزارش‌ها در خصوص آنچه که در اطراف مرز دیورند می‌گذرد، چنان آمیخته با اغراق و بعضاً گزافه‌گویی‌هاست که نمی‌توان واقعیت رویدادها را به درستی و روشنی تشخیص کرد. پاکستان از بدو تشکیل، همواره با دو کشور همسایه خود، مشکل مرزی داشته و یا چنین فکر کرده که چنین مشکلی دارد. نخست کشور هند است که پاکستان به دلیل جدا شدن از بدنه این کشور، آن را دشمن سنتی خود به شمار می‌آورد و بر سر مساله کشمیر، درگیری‌های سیاسی و نظامی با هند داشته است. و از جانب دیگر، پاکستان در مرزهای شمالی خود با افغانستان نیز چنین مشکلی را حس می‌کند.

بحث دیورند، یک مساله حقوقی و تاریخی است که باید از مجاری حقوقی آن حل شود. هرچند عده‌یی در افغانستان این بحث را مختومه اعلام می‌کنند، ولی دیده شده که در طول تاریخ از آن به عنوان یک اهرم فشار و ابزار سیاسی، به اندازه کافی استفاده صورت گرفته است. زمانی سردار محمد داوود خان، فرمان سرفبری داد و هزاران تن را برای مقابله با پاکستان از سراسر کشور فرا خواند. سردار محمد داوود از مخالفان اصلی مرز دیورند در میان سیاست‌مداران افغانستان بود و عمدتاً مساله پشتونستان نیز به وسیله این سیاست‌مدار، به بحثی داغ و جنجالی تبدیل شد. و اما در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، این مساله وارد فاز تازه‌یی از کشمکش‌ها میان دو کشور شد و هر دو طرف، از آن به نفع مسایل سیاسی بهره‌برداری کردند.

پیشروی چهل و پنج کیلومتری نیروهای پاکستان در داخل خاک افغانستان و ایجاد پاسگاه در این سوی مرز، می‌تواند نشانه تجاوز و نقض حاکمیت ملی کشور ما به شمار رود. هرچند نیروهای پولیس و ارتش، پاسخ این پیشروی را در دو مورد به طرف مقابل داده‌اند، ولی این‌گونه واکنش‌ها به معنای پایان دادن به کل معضلی که میان دو کشور از سال‌ها قبل وجود داشته، نمی‌تواند پنداشته شود.

گزارش‌ها در خصوص آنچه که در اطراف مرز دیورند می‌گذرد، چنان آمیخته با اغراق و بعضاً گزافه‌گویی‌هاست که نمی‌توان واقعیت رویدادها را به درستی و روشنی تشخیص کرد. پاکستان از بدو تشکیل، همواره با دو کشور همسایه خود، مشکل مرزی داشته و یا چنین فکر کرده که چنین مشکلی دارد. نخست کشور هند است که پاکستان به دلیل جدا شدن از بدنه این کشور، آن را دشمن سنتی خود به شمار می‌آورد و بر سر مساله کشمیر، درگیری‌های سیاسی و نظامی با هند داشته است. و از جانب دیگر، پاکستان در مرزهای شمالی خود با افغانستان نیز چنین مشکلی را حس می‌کند.

بحث دیورند، یک مساله حقوقی و تاریخی است که باید از مجاری حقوقی آن حل شود. هرچند عده‌یی در افغانستان این بحث را مختومه اعلام می‌کنند، ولی دیده شده که در طول تاریخ از آن به عنوان یک اهرم فشار و ابزار سیاسی، به اندازه کافی استفاده صورت گرفته است. زمانی سردار محمد داوود خان، فرمان سرفبری داد و هزاران تن را برای مقابله با پاکستان از سراسر کشور فرا خواند. سردار محمد داوود از مخالفان اصلی مرز دیورند در میان سیاست‌مداران افغانستان بود و عمدتاً مساله پشتونستان نیز به وسیله این سیاست‌مدار، به بحثی داغ و جنجالی تبدیل شد. و اما در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، این مساله وارد فاز تازه‌یی از کشمکش‌ها میان دو کشور شد و هر دو طرف، از آن به نفع مسایل سیاسی بهره‌برداری کردند.

سخن‌ماندگار

از گرفتن پول‌های پنهانی تا ادعای ارضی

نشر گزارشی در روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز مبنی بر پول گرفتن آقای کرزی از سازمان استخباراتی ایالات متحده، بسیار تکان‌دهنده بود. این گزارش یک خیانت تلخ را فاش کرد که سال‌ها از سوی رییس‌جمهور پنهان نگه داشته شده بود و آقای کرزی در یک ناچاری مغرط، مجبور به اعتراف به آن شد.

پس از آن، گزارش دیگری نشر شد که نشان می‌داد رییس‌جمهور کرزی نه تنها از سی.آی.ای، بل که از استخبارات انگلیس نیز پول دریافت می‌کند و این ماجرا بیش از پیش پیچیده‌تر شد، به گونه‌یی که ارگ ریاست جمهوری و سایر نهادهای مسوول، در این زمینه هیچ ابراز نظری نکردند. این بود که نماینده‌گان مجلس و آگاهان امور آقای کرزی رابه خیانت ملی متهم کردند و خواستار به دادگاه کشاندن او شدند.

در این وضع، ناگهان ماجرای گوشته و پیشروی نیروهای پاکستانی در خاک افغانستان پیش آمد که با توجه به رویدادهای بالا، خیلی تصادفی هم نمی‌نماید.

رییس‌جمهور به جای ارایه پاسخ و بیان دلیل دریافت پنهانی پول از استخبارات کشورهای ایالات متحده، بریتانیا و ایران؛ جسید به موضع‌گیری؛ آنهم ماجرای گوشته و خط دیورند و این‌گونه یک تیراندازی معمولی مرزی را مبدل به یک داعیه کلان تاریخی ساخت و تنش‌های موجود میان این دو کشور را مضاعف کرد.

اما تحقیق پیرامون ماجرای گوشته نشان داد که آن منطقه از سوی حکومت کرزی به پاکستانی‌ها فروخته شده است و حکومت این مساله را نیز از مردم پنهان داشته است. و گزارش‌هایی نیز نشان می‌دهند رییس‌جمهور کرزی از کشورهای ایتالیا، آلمان، فرانسه، هند، پاکستان، کانادا و کشورهای دیگر نیز پول می‌گیرد.

با این وصف چند پرسش اساسی در مورد دو موضوع قابل بحث، مطرح است:

- چرا رییس‌جمهور از استخبارات کشورهای جهان پول گرفته است و این پول‌ها در چه راه‌هایی مصرف شده‌اند؟
- رییس‌جمهور چرا این همه مدت، مساله گرفتن پول را از مردم افغانستان پنهان نگاه داشته است؟

- چرا رییس‌جمهور در یک موقعیت خاص و حساسی که کشور قرار دارد، بحث دیورند را با آن همه ادعاهای بی بنیاد و غیر منطقی بالا کرد؟

- چه کسانی بخش‌هایی از خاک افغانستان را به پاکستانی‌ها فروخته‌اند؟

- چرا رییس‌جمهور از این موضوع خبر ندارد و یا اگر دارد، چرا به مردم نگفته است؟

معلوم نیست چه کسی و یا نهادی باید پاسخ این پرسش‌ها را از زیر زبان رییس‌جمهور بیرون بکشد؟

در نخستین نگاه، مجلس نهادی است که باید این کار را انجام دهد. با آن‌که نخستین بار سر و ته ماجرای گوشته را همین مجلس نماینده‌گان روشن کرد و راز سر به مهر را فاش؛ اما سوگ‌مندانه که گزارش نماینده‌گان مجلس دنبال نشد و کسی نگفت که چرا و چه‌گونه بخشی از خاک کشور به پاکستانی‌ها فروخته شده است.

تردیدی نیست که دست‌عُمال حکومت در مجلس کار کرده و اجازه نداده که این موضوع مهم پی‌گیری گردد. حتا رسانه‌ها نیز به این مساله بی‌توجه ساخته شدند؛ گویی که رسانه‌ها جادو شده باشند؛ چنان‌که کمتر رسانه‌یی مساله فروش ولسوالی گوشته را عنوان کرده است.

البته از رسانه‌هایی که در خط حکومت فعالیت دارند، گله‌یی نیست، اما این که رسانه‌های آزاد چرا این‌گونه از پی‌گیری این ماجرا طفره می‌روند جای سوال دارد.

در هر صورت، تنها نهادی که هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ عملی، صلاحیت پی‌گیری ماجرای پول گرفتن حکومت را دارد، مجلس نماینده‌گان است و نیز این مجلس است که می‌تواند خاک‌فروشان حکومتی را به پای میز محاکمه بکشاند. بدیهی است که حکومت سعی خواهد کرد برنامه‌های مجلس در این مورد را سبوتاز کند و مجلس باید هوشیار جان خود باشد.

واضح است که رییس‌جمهور با این طرز، نه تنها که خیانت‌های پول گرفتن و خاک فروختن را پنهان کرده، که کشور را نیز تالیه پرتگاه کشانده است و هر آن ممکن است که این سیاست‌ها منجر به برخوردی خونین با پاکستان گردد.

بی‌تردید که پاکستان نمی‌تواند گزافه‌گویی‌های مقامات افغانستان را درباره خاک خودش نادیده بگیرد. بر فرض اگر به افغانستان لشکرکشی نظامی هم نکند، ولی هیچ تردیدی نیست که نبردهای استخباراتی‌اش را در جبهه افغانستان، شدت خواهد بخشید که این خود برای کشور ما فاجعه پنداشته می‌شود و مسوول اصلی این رویداد نیز غیر از آقای کرزی کس دیگری نمی‌تواند باشد که آگاهانه کشور را به سوی بحران اندر بحران سوق می‌دهد.

امریکا دولت چین را به جاسوسی سایبری متهم کرد



پنتاگون - وزارت دفاع آمریکا - در گزارشی گفته است که چین دست به جاسوسی سایبری زده و تلاش کرده از این طریق به اطلاعاتی در باره سیاست خارجی و طرح‌های نظامی دولت آمریکا دست یابد.

این گزارش واکنش دولت چین را به دنبال داشته که اتهام‌های وزارت دفاع آمریکا را رد کرده است. سخنگوی وزارت امور خارجه چین اتهامات مطرح شده در گزارش وزارت دفاع آمریکا را بی‌پایه و اساس خوانده است.

در گزارش سالانه وزارت دفاع آمریکا برای اولین بار حملات سایبری به شبکه‌های کامپیوتری این کشور به طور مستقیم به دولت چین نسبت داده است. در گزارش پنتاگون گفته شده که شبکه‌های کامپیوتری دولت آمریکا به طور مرتب از سوی چین هدف حمله قرار می‌گیرند و به نظر می‌رسد عاملان برخی از این حملات با دولت و ارتش چین مرتبط هستند.

این گزارش خاطرنشان می‌کند که اطلاعات به دست آمده از این راه می‌تواند به برنامه‌ریزان نظامی چین کمک کند تا تصویری از قابلیت‌های نظامی آمریکا را به دست بیاورند. براساس این گزارش، از چنین اطلاعاتی می‌توان در مواقع بحرانی سوء استفاده کرد.

گزارش وزارت دفاع آمریکا می‌گوید که چین از طریق عملیات سایبری درصدد جمع‌آوری اطلاعات از بخش‌های اقتصادی، دیپلماتیک و دفاعی ایالات متحده است و این اطلاعات می‌تواند در برنامه‌ریزی دفاعی چین به کار رود.

گزارش پنتاگون همچنین از «عدم شفافیت» برنامه‌های مدرنیزاسیون ارتش چین و همچنین هزینه‌های دفاعی این کشور انتقاد کرده است. چین در ماه مارس اعلام کرد که بودجه سالانه دفاعی این کشور با افزایش ده درصدی به ۱۱۴ میلیارد دلار می‌رسد. پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا می‌گوید هزینه دفاعی واقعی چین در سال ۲۰۱۲ بیش از این بوده است. این وزارتخانه بودجه دفاعی چین در این سال را ۱۳۵ میلیارد دلار تا ۲۱۵ میلیارد دلار تخمین زده است.

گزارش وزارت دفاع آمریکا خاطرنشان می‌کند که چین در سال ۲۰۱۲ اولین ناو هواپیمابر خود را راه‌اندازی کرد و در حال سرمایه‌گذاری روی موشک‌های بالستیک، سیستم‌های نظامی فضای سایبری و تجهیزات جنگ فضایی است.

ارتباط مستقیم
اگرچه آمریکا همواره به نقش چین در حملات سایبری به این کشور مظلون بوده اما تا کنون از نسبت دادن مستقیم این حملات به دولت چین خودداری کرده بود. آمریکا همچنین تا کنون از تأیید هدف قرار گرفتن شبکه‌های کامپیوتری دولتی خودداری می‌کرد.

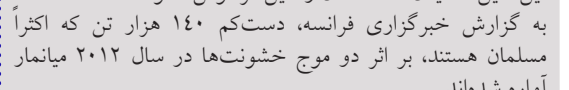
فبروری امسال، یک شرکت فعال در زمینه امنیت سایبری در آمریکا اعلام کرد که یک واحد نظامی سری چین در انجام مجموعه گسترده‌ای از حملات هکری دست داشته اما دولت چین هر گونه دخالت در حملات هکری و جاسوسی سایبری را رد کرد.

شرکت ماندینانت در گزارشی، واحد نظامی ۶۱۳۹۸ متعلق به ارتش آزاد خلق چین را که مرکز آن در شانگهای است به عنوان یکی از محتمل‌ترین عوامل این حملات هکری شناسایی کرد.

براساس این گزارش، واحد نظامی ۶۱۳۹۸ صدها ترابایت اطلاعات را از شماری زیادی از صنایع که اکثر آن‌ها در آمریکا و تعدادی از آنها در کانادا و بریتانیا مستقر هستند، به سرقت برده است.

در آن زمان وزارت امور خارجه چین ضمن ابراز تردید نسبت به صحت شواهد ارائه شده در این گزارش اعلام کرد که دولت چین قویاً با چنین اقداماتی مخالف است.

رییس جمهوری میانمار تضمین حقوق مسلمانان را وعده داد



رییس جمهوری میانمار دوشنبه شب در نطقی تلویزیونی تضمین حقوق مسلمانان را پس از موج‌های خشونت‌های مذهبی وعده داد؛ خشونت‌هایی که اصلاحات عمیق دولت او را به خطر می‌اندازد.

تین سین، رییس جمهوری میانمار که مأمور دوره انتقال سیاسی پس از کناره‌گیری شورای نظامیان حاکم در این کشور است، متعهد شد از اقلیت مسلمان میانمار محافظت کند.

مسلمانان میانماری موضوع اصلی خشونت‌های مرگباری هستند که سال گذشته در ایالت راخین در غرب کشور به وقوع پیوست. وی گفت: دولت ما مسولیت‌های خود را در خصوص مسلمانان برای تأمین حقوق اساسی آنان برعهده خواهد گرفت.

تین سین اطمینان داد ساکنان راخین فراموش نخواهند شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، دستکم ۱۴۰ هزار تن که اکثراً مسلمان هستند، بر اثر دو موج خشونت‌ها در سال ۲۰۱۲ میانمار آواره شده‌اند.

اردوغان: حملات اسرائیل به سوریه غیرقابل قبول است



رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، می‌گوید که حکومت سوریه با دستاویز قرار دادن حملات اسرائیل، کشتار بانایس را پنهان می‌کند.

رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، روز سه‌شنبه، حملات هوایی ارتش اسرائیل به مراکز نظامی سوریه را «غیرقابل قبول» خواند. او در عین حال موضع خود علیه بشار اسد را تکرار کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، آقای اردوغان که در جمع نمایندگان حزب حاکم در مجلس ترکیه سخنرانی می‌کرد، گفت که هیچ بهانه‌ای اقدام اسرائیل را توجیه نمی‌کند و این که اسرائیل «فرصتی طلایی» در اختیار حکومت سوریه قرار داده است تا بدین ترتیب بر «کشتار مخالفان» سرپوش بگذارد.

نیروی هوایی اسرائیل با بمباران یکشنبه چندین مرکز نظامی در حومه دمشق را هدف حملات خود قرار داد که این حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد.

اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

رجب طیب اردوغان اظهار داشت: «اسد تلاش می‌کند حملات به مرگ دست‌کم ۴۲ سرباز منجر شد. اکنون نیز رییس دولت ترکیه ضمن تکرار مواضع خود علیه بشار اسد، حملات هوایی اسرائیل به سوریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

با دستاویز قرار دادن حملات اسرائیل، آن چه را که در بانایس اتفاق افتاده است پنهان کند.»

بانایس در روزهای اخیر شاهد قتل‌عام گسترده‌ای بوده است که مخالفان بشار اسد آن را به نیروهای حکومتی و شبه‌نظامیان حامی دولت سوریه نسبت می‌دهند.

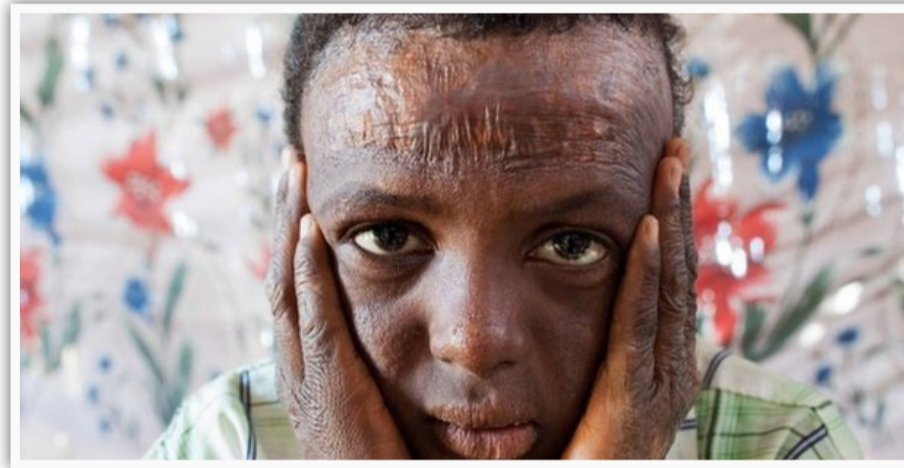
بر اساس گزارشی که گروه اپوزیسیون ناظر حقوق بشر سوریه در اوایل این هفته منتشر کرد، اجساد ۶۲ تن از ساکنان این شهر در یکی از محلات سنی‌مذهب آن پیدا شده است.

آقای اردوغان با اشاره به این واقعه می‌گوید، از دیدن تصاویر کودکانی که در بین کشته‌شدگان بانایس بودند، وحشت‌زده شده است.

او در ادامه سخنان خود به انتقاد از عملکرد جامعه جهانی در قبال بحران سوریه پرداخت و گفت: «من تعجب می‌کنم که شما تا چه زمانی می‌توانید چشمان خود را بر روی این کشتار ببندید. لعنت بر سیاست‌های بین‌المللی شما!»

نخست وزیر ترکیه در نهایت از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست که جلسه‌ی فوری در ارتباط با کشتار بانایس تشکیل دهد.

دارفور؛ بن‌بست خونین سودان



در سال ۲۰۱۱، یک ائتلاف کوچک از شورشیان «سند دوحه برای صلح در دارفور» (دی دی پی دی) را امضا کرد و شاخه‌ای از یک گروه شورشی دیگر نیز اخیراً نام خود را به این سند اضافه کرده است.

این سند تقسیم ثروت و قدرت، توسعه در دارفور و پرداخت غرامت به آسیب دیدگان جنگی را وعده داده است.

تا کنون بیشتر این وعده‌ها بی‌پاسخ مانده است. سه گروه شورشی همچنان به مبارزه با دولت ادامه می‌دهند: دو شاخه از ارتش آزادی بخش سودان که توسط عبدالواحد النور و مینی میناوی رهبری می‌شوند و جنبش عدالت و مساوات متعلق به رهبری جبریل ابراهیم.

در اواخر سال ۲۰۱۱، این سه گروه با شاخه شمالی جنبش آزادی بخش خلق سودان، که در ایالت‌های کردفان جنوبی و نیل آبی فعالیت می‌کنند، متحد شده و ائتلافی به نام جبهه انقلابی سودان (اس آ اف) را تشکیل دادند.

سازمان ملل سودان جنوبی را به حمایت از اس آ اف و به طور مشخص، پناه دادن به جنبش عدالت و مساوات، متهم کرده است. سودان جنوبی این اتهامات را رد می‌کند. شکل‌گیری جبهه انقلابی سودان، خارطوم را وحشت زده کرده است، ولی هنوز باعث تغییر آرایش نظامی در این کشور نشده است.

شورشیان دارفور در مجموعه‌ای از مناطق ممنوعه در دارفور، و بعضاً مناطق دورتر، فعالیت می‌کنند.

گرم شدن روابط
مدتی است که این درگیری دیگر یک جنگ ساده میان دولت و شورشیان نیست.

در چند سال اخیر، بزرگترین عامل تلفات جانی در دارفور، درگیری میان گروه‌های مختلف عرب بوده است. با اینکه تصور رایج درباره این درگیری، منازعه شورشیان آفریقایی تبار با دولت و اعراب دارفوری است، برخی گروه‌های کوچکتر آفریقایی تبار هم برای خارطوم جنگیده‌اند.

جنبش در سرتاسر منطقه افزایش یافته است. بن‌بست خونین و کثیف دارفور، ده سال پس از آغازش، همچنان ادامه دارد.

این جنگ داخلی را می‌توان یک درگیری همزمان در چند سطح دانست:

- در سطح بین‌المللی، همسایگان سودان و قدرت‌های بزرگ جهانی معمولاً از دریچه منافع ملی خود به دارفور می‌نگرند.

عمر البشیر مطمئن است که ایالات متحده قصد براندازی او را دارد و سودان به حمایت چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متکی است.

پاسخ دولت سودان، که متکی بر حمله هوایی و شبه نظامیان عرب به نام «جنجويد»ها بود، توسط الکس دوآل کارشناس مسائل سودان، «ضد-شورش کم هزینه» نامیده شد.

آن‌ها دهکده‌های فورها، زغاهه‌ها و ماسالیت‌ها را بمباران کردند و سوزاندند، غیرنظامیان را کشتند و به زنان تجاوز کردند.

احکام بازداشت
طبق تخمین سازمان ملل در سال ۲۰۰۸، در سودان ۳۰۰ هزار نفر در نتیجه جنگ مرده‌اند، ولی خارطوم این آمار را نمی‌پذیرد.

عمر حسن البشیر، رییس جمهور سودان، توسط دادگاه بین‌المللی کیفری و به اتهام نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت بر علیه بشریت در دارفور، تحت تعقیب قرار گرفته است.

او متهم شده است که بر اقدام برای پاکسازی بخشی از جامعه فورها، زغاهه‌ها و ماسالیت‌ها نظارت کرده است.

آقای بشیر اولین رییس دولت بر سر کار بود که توسط دادگاه بین‌المللی کیفری تحت تعقیب قرار گرفت.

او و سایر مقاماتی که با اتهامات مشابهی مواجهند، همه این اتهامات را رد کرده‌اند.

تردیدی نیست که این احکام بازداشت تأثیر زیادی بر سودان داشته‌اند.

غرب نمی‌خواهد هیچ رابطه‌ای با رییس جمهور البشیر و یا دولت او داشته باشد. دیپلمات‌ها با او ملاقات نمی‌کنند و تا هنگامی که او بر سر قدرت باشد، شانس کمی برای بخشیدن شدن بدهی‌های کمرشکن سودان و رفع تحریم‌های ایالات متحده وجود دارد.

با این حال اتهامات دادگاه بین‌المللی کیفری، باعث افزایش محبوبیت او در سودان و برخی دیگر از کشورهای عرب و آفریقایی شده است.

این احکام به عنوان رودرویی با حق مالکیت سودان، و در برخی موارد حمله غرب به اسلام، تلقی شده‌اند.

آقای البشیر دستگیر نشده است و به نظر نمی‌رسد که به زودی محاکمه شود.

تصور رایج
جنگ نیز ادامه دارد.

معاهده صلح در سال ۲۰۰۶، تنها توسط یکی از چندین گروه مسلح در دارفور امضا شد و اوضاع دوباره به وضعیت شورش بازگشت.

جان استوارت میل و اندیشه عدالت

بهرام محبی

جان استوارت میل سپس به موضوع عدالت قضایی می‌پردازد و تصریح می‌کند که این اصل که «باید به هر کس آن چه را که سزاوار اوست داد» یعنی خوبی را با خوبی و بدی را با بدی تلافی کرد، نه تنها در مفهوم عدالت مستتر است، بلکه هم‌زمان موضوع آن احساس پیوسته خاصی است که در

در بر می‌گیرد.

میل تأکید می‌کند که همه انسان‌ها حق دارند از رفتاری یکسان نسبت به خود برخوردار باشند، مگر این که منفعت عمومی به رسمیت شناخته شده‌ی، عکس آن را ایجاد کند. بنابراین هرگونه نابرابری اجتماعی که فایده آن برای جامعه قابل درک نباشد، نه فقط به یک ناسازگاری، بلکه هم‌چنین به یک بی‌عدالتی تبدیل می‌گردد و شکل پدیده‌ی

که مطابق آن باید به هر کس آن چه را که سزاوار اوست داد. به این معنا، او عدالت را در رفتار یکسان نسبت به همه‌گان و تقسیم عادلانه نعمات مادی با توجه به تفاوت میان افراد تعریف می‌کند. میل خصلت تعهدآور عدالت را مشتق از آن می‌داند که سودمند است و خوش‌بختی بزرگ عمومی را ایجاد می‌کند. به نظر میل، هر فردی با فایده‌ی که می‌رساند، اساساً کل فایده اجتماعی و از طریق آن عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد. اما در شرایط معین تاریخی، نابرابری اجتماعی نیز می‌تواند برای جامعه فایده‌آور باشد. در چنین شرایطی، رفتار برابر نسبت به همه‌گان با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌گردد، اما تناقض میان علایق مختلف و تضادهای طبقاتی، همواره در تاریخ بی‌مورد شده‌اند و سرانجام بر آن‌ها غلبه شده است. به عقیده میل، تضادها در چارچوب نظام اقتصادی سرمایه‌داری نیز از طریق اصلاحات قابل رفع هستند.

به این ترتیب، میل در آثار خود از اصلاحات منظم در نظام اقتصادی سرمایه‌داری جانب‌داری می‌کند. او خواهان آن است که کارگران در حیات تربیتی و آموزشی جامعه سهیم شوند. میل نابرابری ساختاری در نظام مبتنی بر اقتصاد سرمایه‌داری را تا آن‌جایی می‌پذیرد که همه اعضای جامعه بتوانند از مالکیت خصوصی فایده ببرند. او در راستای دفاع از آزادی فرد برای شکوفایی شخصیت خویش، هم‌چنین از هم‌بستگی آزادی‌خواهانه کارگران در ایجاد اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها و سندیکاها پشتیبانی می‌کند. البته آزادی فردی برای جان استوارت میل پیش از هر چیز آزادی وجدان و آزادی بیان است. بیم او از برقراری استبداد در گستره عمومی نیز با توجه به همین امر قابل درک است. میل معتقد است که هر فردی می‌بایست خیر خود را دنبال کند، مادامی که در این راه منافع دیگران را خدشه‌دار نمی‌سازد.

میل مالکیت خصوصی را با عطف به فایده‌باوری تا آن‌جایی توجیه‌پذیر می‌داند که موجودیت افرادی را که جز نیروی کار خود چیزی در اختیار ندارند، تهدید نکند. سعادت هر فردی بایست به اندازه سعادت هر فرد دیگر مد نظر قرار گیرد. این که هر کس یکسان خواهان خوش‌بختی است، به این معناست که هر کس یکسان نیز باید از ابزار رسیدن به خوش‌بختی برخوردار باشد.



جبارانه را به خود می‌گیرد و انسان را بعداً به شکفتی وامی‌دارد که چه‌طور توانسته آن را تحمل کند.

میل نتیجه می‌گیرد که پس عدالت نامی برای مطالبات معین اخلاقی است که اگر آن‌ها را در کل در نظر بگیریم، در یک درجه‌بندی مربوط به سودمندی اجتماعی، مکانی بالا اشغال می‌کند و به همین دلیل در مقیاسی بالا نیز تعهدآور است.

میل مالکیت خصوصی را با عطف به فایده‌باوری تا آن‌جایی

توجیه‌پذیر می‌داند که موجودیت افرادی را که جز نیروی کار خود

چیزی در اختیار ندارند، تهدید نکند. سعادت هر فردی بایست

به اندازه سعادت هر فرد دیگر مد نظر قرار گیرد. این که هر کس

یکسان خواهان خوش‌بختی است، به این معناست که هر کس

یکسان نیز باید از ابزار رسیدن به خوش‌بختی برخوردار باشد،

مگر به دلیل مرزهایی که شرایط خاص زنده‌گی انسانی و منافع

عمومی به ما تحمیل می‌کنند. این اصل دارای پیامدی اجتماعی است

و به لیبرالیسم میل خصلتی اجتماعی می‌بخشد

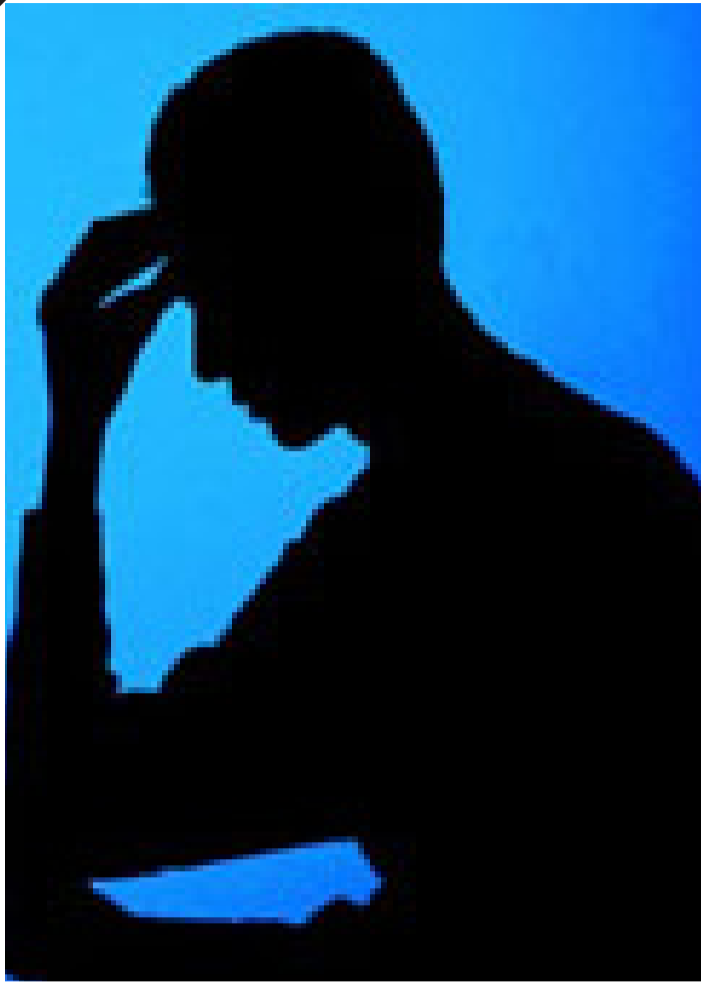
مگر به دلیل مرزهایی که شرایط خاص زنده‌گی انسانی و منافع عمومی به ما تحمیل می‌کنند. این اصل دارای پیامدی اجتماعی است و به لیبرالیسم میل خصلتی اجتماعی می‌بخشد. از همین‌رو جان استوارت میل را میانجی مکتب‌های سیاسی لیبرالیسم و سوسیالیسم و به اعتباری، برجسته‌ترین نماینده فکری «سوسیال لیبرالیسم» می‌دانند.

عدالت عنوانی مناسب برای حوزه‌ی از سودمندی اجتماعی است که از سایر حوزه‌ها (به استثنای مواردی معین) مهم‌تر، اجتناب‌ناپذیرتر و عاجل‌تر است.

در جمع‌بندی آرای جان استوارت میل درباره عدالت می‌توان گفت که او از این مفهوم در هسته مرکزی آن، ادعای حق هر فرد در مقابل دیگران و هم‌چنین اصلی حقوقی و اخلاقی را دریافت می‌کند

ارزش‌گذاری انسان، عدالت را از سودمندی خالص بالاتر قرار می‌دهد. بیشتر آغازهای عدالت که در جهان وجود دارد و به آن‌ها رجوع می‌شود، در خدمت به کرسی نشاندن همین گونه اصل‌ها هستند. از جمله این که هر کس فقط مسوول آن کاری است که ارادی انجام داده است یا ارادی می‌توانسته مانع آن شود؛ یا این که عادلانه نیست کسی را بدون محاکمه محکوم کنیم؛ و یا این که مجازات باید با جرم متناسب باشد. این گونه آغازها باید مانع از آن شوند که اصل عادلانه تلافی کردن بدی با بدی مورد سوء استفاده قرار گیرد. میل نتیجه می‌گیرد که بنابراین از این مبانی می‌توان پی‌برد که بی‌طرفی یکی از والاترین فضیلت‌های قضاوت است، زیرا بی‌طرفی پیش‌شرط ضرور تحقق سایر وظایف مربوط به عدالت است.

میل در بخش دیگری از تأملات خود، با الهام از مفهوم ارسطویی «عدالت توزیعی»، به بازنمود این مفهوم از دیدگاه خود می‌پردازد. به نظر او، این که جامعه می‌بایست با همه افرادی که در مقیاسی کاملاً برابر به جامعه خدمت کرده‌اند، به‌طور مطلقاً یکسان خوب رفتار کند، بالاترین اصل عمومی عدالت اجتماعی و توزیعی است. همه نهادها و تلاش‌های همه شهروندان در بالاترین مقیاس ممکن بایست مبتنی بر چنین اصلی باشند. این وظیفه بزرگ اخلاقی، ریشه‌ی ژرف دارد، زیرا نه گزاره‌ی مشتق شده از اصل‌های ثانوی، بلکه بی‌میانجی برخاسته از عالی‌ترین اصل اخلاقی است و بخشی از معنای اصل فایده یا بزرگ‌ترین سعادت را



بخش چهارم

چه گونه از خود انسان برتری بسازیم؟

برای این که بدانیم «ضمیر ناخودآگاه» خود ما، چه قدر قدرت دارد، فقط به این نکته اشاره می‌کنیم که: «ضمیر ناخودآگاه» بیش از ۷۰ میلیارد سلول بدن را دقیقاً تحت کنترل داشته، به تغذیه، آکسیجین‌گیری - دفع مواد زاید - در مورد سلامتی و مریضی - همکاری سلول‌ها با هم و یا قطع ارتباط آن‌ها از هم - مرگ، زنده‌گی و تکثیر سلول‌ها و هزاران امور دیگر مربوط به سلول‌ها را، لحظه به لحظه و بدون درنگ و استراحت و در تمام مدت شبانه‌روزی، کنترل و تحت نظارت دقیق خود دارد. و یا در هر لحظه میلیون‌ها سلول از قسمت‌های مختلف بدن می‌میرند و میلیون‌ها سلول جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند، که همه‌گی با نظارت و کنترل و تصمیم مستقیم «ضمیر ناخودآگاه» صورت می‌پذیرد. شاید یک‌نفره، کوهی بزرگ را کنند و با یک دست بلند کردن، آسان‌تر از هر لحظه ۷۰ میلیارد سلول را کنترل کردن باشد!

یکی از کارهای اساسی که «ضمیر ناخودآگاه» انجام می‌دهد، ساخت باورهای مثبت یا منفی انسان‌هاست. به عبارت دیگر، «ضمیر ناخودآگاه»، کارگاه ساخت باورهاست: باورها (اعتقادات) مهم‌ترین عنصر ذهن هستند، چون رفتار و کردار ما تحت تأثیر احساسات‌مان قرار دارند، احساسات ما تحت نفوذ افکار و اندیشه‌های ما هستند، افکار و اندیشه‌های مان، ناشی از باورهای مان می‌باشند، باورهای مان در «ضمیر ناخودآگاه» ساخته می‌شوند. ضمائر «خودآگاه» و «ناخودآگاه» به وسیله حواس پنجگانه و تفکر، تلقین، تصور و تجسم (حس ششم)، با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌سازند. هر مطلبی که به وسیله حواس پنجگانه، تصور، تجسم و تفکر به این ضمائر، منعکس شوند: (۱) ضمیر «خودآگاه» با توجه به دانش، اطلاعات، تجربیات، تعقل و استدلالش، مطالب و موارد دریافتی را مورد مذاقه قرار می‌دهد و با توجه به باورهای هر شخص، نسبت به موارد مختلف دریافتی، تصمیم‌گیری کرده و جهت اجرا و اقدام، به «ضمیر ناخودآگاه» منعکس می‌سازد. توضیح این که عمل مشاهده، تجربه‌آموزی، دانش‌اندوزی، استدلال، تعقل و... به وسیله ضمیر خودآگاه صورت می‌گیرد.

(۲) «ضمیر ناخودآگاه»، مطالب و موارد دریافتی را بدون پردازش و تعقل و استدلال، عیناً ضبط می‌کند. مثلاً اگر مستقیماً با «ضمیر ناخودآگاه» ارتباط برقرار کرده و بگویم ۲×۲ مساوی است با هفت، عیناً آن را ضبط می‌کند. اگر مستقیماً از آن سوال کنیم که ۲×۲ مساوی‌ست با چند؟ ضمیر ناخودآگاه آن چه را قبلاً ضبط کرده، به ما پاسخ می‌دهد: هفت. در حالی که «ضمیر خودآگاه» به علت دارا بودن دانش، استدلال و تعقل و... پاسخ می‌دهد که ۲×۲ می‌شود چهار! در حقیقت «ضمیر ناخودآگاه» با وجود داشتن قدرت فراوان و نامحدود، مثل کودکی می‌ماند که هر چه بگویی و یا دستور بدهی، بدون تفکر، تعقل و پردازش، ضبط کرده و حتا امکانات اجرایی آن را هم فراهم می‌سازد. یا مثل موتوری که ریز بدهی راه افتاده، بدون این که بداند چه گونه راه می‌افتد و به کجا می‌رود!

چه گونه می‌توانیم از قدرت خارق‌العاده و بی‌نظیری که در درون همه انسان‌ها قرار دارد، بهره‌برداری منطقی و معقول داشته و چه گونه می‌توانیم با تسلط بر آن، انرژی و امکانات نامحدود آن را، در رسیدن به اهداف و آرمان‌های خویش و ساختن زنده‌گی بسیار شایسته، عالی و بسیار مطبوع به کار بگیریم؟ چه گونه می‌توان با راهنمایی علمی و عملی، به سلامت ذهن دست یافت و با بهره‌گیری از حد‌اعلای توانمندی‌های مان، زنده‌گی خود را به حداکثر نشاط، شادمانی، تندرستی و شغف برسانیم و توانایی‌های خود را چنان بالا ببریم که کمتر غم، اندوه، نگرانی، تهدید، ارباب و... در ما کارگر باشد؟

اگر نتوان همانند بسیاری ادعا کرد که هنری فیلدینگ و ساموئل ریچاردسون پایه‌گذار رمان انگلیسی در دههٔ چهل قرن هجدهم بوده‌اند - چرا که دانیل دوفو و سر فیلیپ سیدنی، رابینسون کروزو و مال فلائندرز را پیش از این زمان نوشته‌اند - حداقل باید تصدیق نمود که این دو، پدیدآورنده‌گان آن‌گونه رمان انگلیسی‌اند که در آن، «زنان و مردان در صحنه‌های نمایشی همه‌گانی ایفای نقش می‌کنند که می‌تواند بازگوکنندهٔ سرشت هر زن و مردی باشد. این سخن نه دربارهٔ [سر فیلیپ] سیدنی صادق است و نه دربارهٔ [دانیل] دوفو. مردی جوان ممکن است در خیال خود را به جای موسیدورس، قهرمان رمان سیدنی، بگذارد و یا هم‌چون رابینسون کروزو، رفتار کند؛ اما هرگز نمی‌تواند خود را در تجارب آن‌ها شریک بداند، آن‌طور که خود را در تجارب تام جونز سهم می‌یابد.» «در حقیقت، فیلدینگ برای اولین‌بار در رمان انگلیس [با ساخت شخصیت تام جونز] یک مرد واقعی را توصیف کرد.»❁❁

تام جونز که اسم کامل آن - بنا به رسم زمانهٔ خود برای واقع‌نمایی هرچه بیشتر - سرگذشت تام جونز کودک سر راهی است؛ در ردیف دن کیشوت، تریسترام شندی، و ژاک قضا و قدری و در زمرة برجسته‌ترین کلاسیک‌های تاریخ رمان قرار دارد.

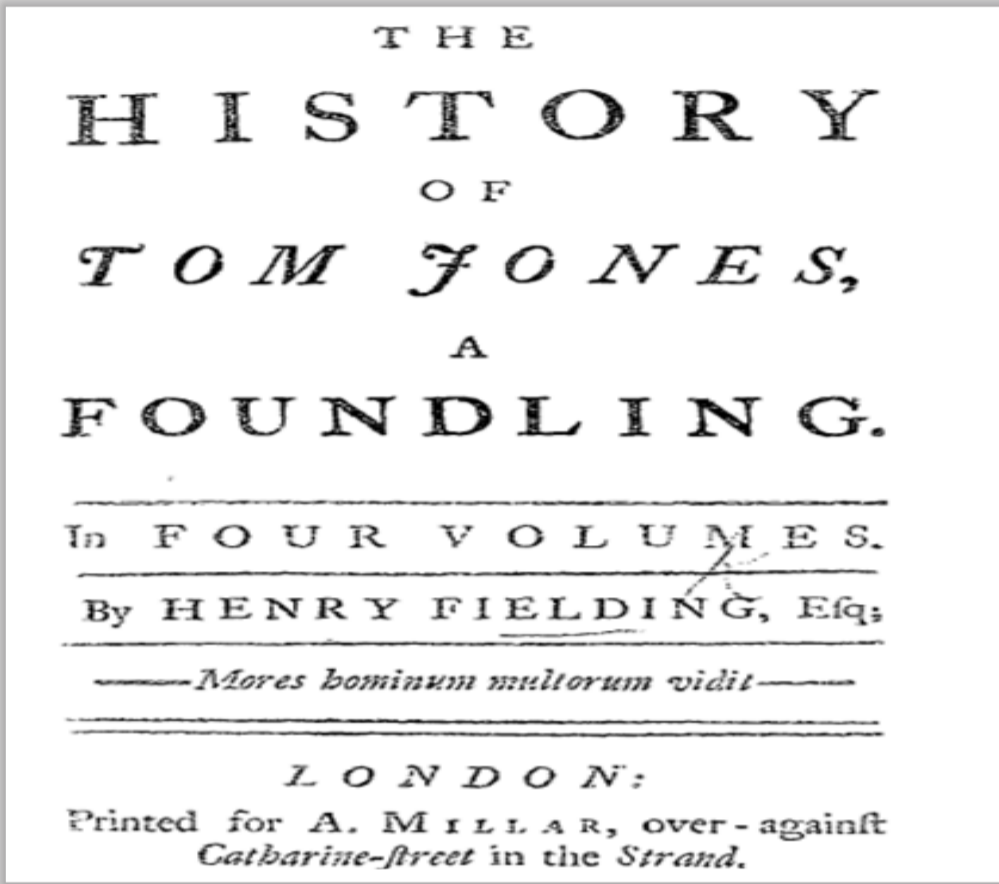
تام جونز نام کودکی سرراهی است که در خانهٔ ارباب آلورتی و تحت نظارت خواهر او، برژیت بزرگ شده است. به فاصلهٔ کمی پس از پذیرش تام، برژیت ازدواج می‌کند و صاحب فرزندی به نام بلافییل می‌شود. پس از کوتاه‌زمانی، پدر بلافییل می‌میرد و او عملاً وارث دارایی آلورتی می‌شود. تام با آن‌که تحت تعلیم و تربیتی مشابه بلافییل بزرگ می‌شود، اما شخصیتی کاملاً متفاوت از او را بروز می‌دهد. تام پسر ساده‌دل، بازیگوش و ماجراجویی است و در مقابل بلافییل حسود، کینه‌توز و محتاط است و هیچ فرصتی را برای بدنام کردن تام از دست نمی‌دهد.

در همسایگی آلورتی مردی زنده‌گی می‌کند به نام وسترن و او دختری زیبا به اسم سوفیا دارد. تام به سوفیا دل می‌بندد و هم‌زمان، در اثر بدخواهی بلافییل، که او نیز مایل به ازدواج با سوفیا است، از خانهٔ آلورتی رانده می‌شود. تام در آغاز فصل دوازدهم از کتاب ششم - ناگزیر سفری اودیسه وار را به سوی لندن در پیش می‌گیرد.

تام جونز شامل هجده کتاب است که هر یک عنوانی مخصوص به خود دارد. هر کتاب از چند فصل تشکیل شده است که آن‌ها نیز نامی دارند. تعداد فصل‌های کتاب‌ها از ۷ تا ۱۵ در تغییر است و بعضی از آن‌ها تنها در حدود یک صفحه را شامل می‌شوند. این مجموعه، درخت‌واره تام جونز را شکل می‌دهند که - ترجمهٔ فارسی آن توسط احمد کریمی

میر حکاک - کتابی حدود ۸۰۰ صفحه‌یی است. هنری فیلدینگ در ابتدای هر کتاب مطالبی غالباً بی‌ارتباط با داستان نوشته و در آن‌ها به موضوعاتی مثل مورد سبک نگارش اثر، مقاصد نویسنده از خلق داستان، انتظارات او از خواننده، پیش‌بینی نظرات منتقدین و پاسخ‌گویی به نظرات مخالف احتمالی آن‌ها پرداخته است. او دریکی از این گفتارها - در ابتدای کتاب اول - مقایسهٔ جالبی بین نویسنده

تام جونز



و مهمان‌خانه‌دار انجام داده است: «نویسنده باید خود را با به جای شخصی بگذارد که مهمان‌خانه‌یی عمومی را می‌گرداند، و از هر کس در برابر پولش پذیرایی می‌کند، و نه این‌که خیال کند بزرگی است که می‌خواهد ضیافتی خصوصی راه اندازد و اطعام مساکین کند. در خصوص ضیافت، همه می‌دانند که میزبان هر خوراکی خواهد تدارک می‌بیند، و اگر هم به مذاق میهمانانش ناگوار،

یا کلاً بدمزه و ناسازگار آمد، نباید زبان به بدگویی بگشایند که هیچ، برعکس ادب ایجاب می‌کند که میهمان برای حفظ ظاهر هم که شده، از هر چه پیش رویش می‌گذراند، تحسین و تمجید کند. اما عکس این حالت بر مهمان‌خانه‌دار می‌گذرد. کسانی که در برابر آن‌چه می‌خورند پول می‌دهند، به فرض هم که بسیار خوش‌رو و حتی بی‌خیال باشند، باز بر اطفای میل خود به خوراک اصرار خواهند ورزید، و اگر همه چیز موافق سلیقهٔ‌شان از آب درنیاید، حق اعتراض، دادوبیداد، و فحش و بدوبیره را هم برای خود قایل‌اند.»

فیلدینگ در گفتار ابتدای کتاب نهم، شرایطی را برمی‌شمارد که به اعتقاد او، همهٔ داستان‌نویس‌ها باید تمامی آن‌ها را به میزان بالایی دارا باشند: نخست، نبوغ؛ دوم، آموزش کافی؛ سوم، شناخت سرشت انسان؛ و چهارم، نیکدلی. او هم‌چنین دستورالعمل درخور توجهی در مورد خلق یک اثر داستانی دارد. فیلدینگ می‌گوید ماجراهای داستان‌ها باید حایز دو شرط توأم باشند؛ اول، واقعی باشند و نه خیالی؛ و دوم، باورپذیر باشند.

فیلدینگ نظر مثبتی نسبت به منتقدین ادبی ندارد و در چندین جای کتاب آنان را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهد و نظرات ناخوشایندی نسبت به ایشان ابراز می‌کند: «اگر کسی را که در شخصیت دیگران سرک می‌کشد، و از این کار قصدی جز این ندارد که معایب ایشان را بیابد، و بر سر بازارها جار زند، در خور لقب مفتری و به ننگ‌کشاندهٔ نام‌های نیک است، پس چرا منتقدی را که با همان نیت سوء اثری را در دست می‌گیرد، نباید مفتری و به ننگ‌آلایندهٔ نام نیک آثار ادبی دانست؟»❁❁

از نکات جالب توجه تام جونز؛ تأثیری است که دن کیشوت بر خالق آن داشته است. این تأثیر را چه در شیوه روایت - برای مثال در رو در رو شدن او به عنوان نویسنده و نه راوی با خواننده - و چه در خلق شخصی به نام پارتریچ (در نقش سانجو پانزا)، به عنوان مهتر تام جونز می‌توان تشخیص داد. و سرانجام این‌که فیلدینگ از همان نخست، گاه به گاه در گفتارهای مقدماتی کتاب‌ها، زبان به تحسین اثر خود گشوده و جایگاه والای آن را در تاریخ ادبیات پیش‌بینی کرده است؛ و اگر بپذیریم که این گفتارها را در زمان شروع هر کتاب - و نه در پایان نگارش داستان - نوشته است؛ می‌توان گفت که او از ابتدا می‌دانسته که در حال انجام چه کار سترگ و خلق چه اثر عظیم و ماندگاری است.

*نسل قلم شماره ۹۴، هنری فیلدینگ، نوشته جان بات، ترجمهٔ علی خزاعی‌فر

**دربارهٔ رمان و داستان کوتا، سامرست موام، ترجمهٔ کاوه دهگان.

برگرفته شده از ویلاگ مداد سیاه

در سال ۲۰۰۰ بود که اولین رمان خود را به نام «کیس» منتشر کرد. این کتاب واکنش‌های بسیاری را برانگیخت و شهرت فراوان کسب کرد. بر اساس این رمان، تیاترها و نمایش‌های بسیاری اجرا شدند. در سال ۲۰۰۱ سه کتاب دیگر به نام‌های «شب»، «روز»، «دو نفر» منتشر کرد. تیراژ حدود ۲۰۰ هزار نسخه کتاب‌های تالستایا برای او موفقیت تجاری هم محسوب می‌شد. (تالستایا بیش از ده سال روی رمان «کیس» کار کرده است، از سال۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰).

ماجرای رمان وقایع ۳۰۰ سال بعد از یک انفجار مهیب را در بر می‌گیرد. این انفجار یک حادثهٔ عظیم هسته‌یی و یا چیزی شبیه به آن بوده است که منجر به تغییر شکل زنده‌گی بیالوژیکی روی کرهٔ زمین شده و جامعه‌یی پدیدار می‌شود که اگر به دوران ماقبل تاریخ بازنگشته باشد، به طور یقین تا زمان قرون وسطا به عقب رفته است. قهرمان اصلی رمان که «بندیکت» نام دارد و کار او، رونویسی از کتاب‌های باقیمانده از دوران قبل انفجار می‌باشد. موضوع این رمان به نوعی ترسیم سنت‌های ادبی روسی در دوره‌یی است که پس از انفجار پسانوگرایانهٔ فرهنگی و ادبی از راه رسیده است.

تالستایا در شمار نویسنده‌گان «موج نو» در ادبیات می‌باشد و در کنار نویسنده‌گانی چون «ویکتوریا توکاروا»، «لودمیلا پتروشسکایا»، «والریا ناربیکووا» نثرش مرتبط با «سبک زنانه» است. آثار تالستایا در ادبیات معاصر روسیه، ترکیبی از ویژه‌گی‌های مشخص ریالیسم، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم می‌باشد. در سال ۲۰۰۱، تالستایا جایزهٔ چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسکو در نثر و نیز جایزهٔ معتبر «تریومف» را دریافت کرد.

تالستایا در مصاحبه‌یی که با مجلهٔ «پراودا» انجام داد، در مورد اینکه چرا شروع به نوشتن کرد، چنین گفت: «در سال ۱۹۸۲ مشکلی در بینایی‌ام پیش آمده بود که مجبور به عمل جراحی بر روی چشم‌هایم شدم. پس از عمل جراحی من نمی‌توانستم زمان زیادی در معرض روشنائی روز قرار بگیرم و فقط زمانی که هوا تاریک می‌شد، می‌توانستم به خیابان بروم. هیچ کاری در خانه نمی‌توانستم انجام دهم، حتا کار مراقبت از کودکان. همهٔ این‌ها بعد سه ماه به‌سر آمد و دیدن واضح و دقیق من به یک‌باره آغاز شد؛ همهٔ آن چیزهایی که امپرسیونیسم بود، رفت و واقیعت مطلق شروع شد و درست در همین موقع بود که من احساس کردم می‌توانم بنشینم و یک داستان خوب از ابتدا تا انتها بنویسم. این‌چنین بود که من نوشتن را آغاز کردم.»

بخش ادبیات تیبیان



تالستایا؛ نویسندهٔ معاصر روس

روسی در یکی از کالج‌ها پرداخت و هم‌چنین در مجلات مختلف آن‌جا قلم می‌زد. در دههٔ سال‌های ۹۰، او آثاری مانند «دوست‌داری - دوست نداری»، «خواهران»، «رودخانهٔ آکرویل» را منتشر

تاتیانا تالستایا، یکی از نویسنده‌گان پست‌مدرن معاصر روس و نواسهٔ آکسی تالستوی می‌باشد. وی در سوم می سال ۱۹۵۱ در شهر لنینگراد در خانواده‌یی پر تعداد متولد شد. پدرش عضو فرهنگستان زبان‌شناسی و پدرکلان مادری‌اش میخائیل لازینسکی، مترجم ادبی و شاعر بود.

پس از اتمام دوران مکتب تالستایا، وارد دانشگاه ایالتی لنینگراد شد و به تحصیل در رشتهٔ زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی پرداخت. پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۷۴، به واسطهٔ ازدواج به مسکو عزیمت کرد و در آن‌جا به عنوان ویراستار در هیات تحریریهٔ مجلهٔ «ناووکا» مشغول به کار شد.

تا سال ۱۹۸۳ هم‌زمان با کار در مطبوعات، اولین داستانش را با عنوان «در ایوان طلایی نشسته‌اند» در مجلهٔ «آورورا» به چاپ رساند و نیز به عنوان‌یک منتقد ادبی برای اولین‌بار با مقالهٔ «چسب و قیچی» در مجلهٔ «مسایل ادبی» خوش درخشید. اولین داستان تالستایا، توجه خواننده‌گان و منتقدان را به خود جلب کرد و به عنوان یکی از بهترین آثار ادبی دههٔ هشتاد شناخته شد. این داستان دربارهٔ تأثیر و تحولی کودکانه در عده‌یی کودک از حوادثی ساده و مردمانی معمولی است که در نظر آن‌ها به صورت حوادثی اسرارآمیز و شخصیت‌هایی افسانه‌یی جلوه می‌کنند.

در سال۱۹۸۷ اولین مجموعه داستانش را منتشر ساخت و در این مجموعه، بسیاری از داستان‌های مشهور اولیه‌اش مانند «حقه‌باز» «شورای عزیز» و «حلقه» که قبلاً چاپ نشده بودند، گنجانده شدند. منتقدین روسیه با این کتاب آگاهانه برخورد کردند و در عین حالی که آن را مورد استقبال قرار دادند، بر وی ایراد گرفتند که داستان‌هایش بر اساس یک الگو نوشته شده است.

اولین داستان تالستایا توجه خواننده‌گان و منتقدان را به خود جلب کرد و به عنوان یکی از بهترین آثار ادبی دههٔ هشتاد شناخته شد. این داستان دربارهٔ تأثیر و تحولی کودکانه در عده‌یی کودک از حوادثی ساده و مردمانی معمولی است که در نظر آن‌ها به صورت حوادثی اسرارآمیز و شخصیت‌هایی افسانه‌یی جلوه می‌کنند.

تاتیانا تالستایا در محافل ادبی به عنوان یک نویسندهٔ نوآور و مستقل شهرت یافت. قهرمانان داستان‌های او، بیشتر مردمانی عجیب‌وغریب، دیوانه، پیرمردان پیش از انقلاب و یا کودکان عقب‌افتادهٔ ذهنی بودند که در محیط خشک و خشن خُرده‌بورژوازی زنده‌گی می‌کردند و از بین می‌رفتند. در سال ۱۹۹۰ او به ایالات متحده رفت و در آن‌جا به تدریس ادبیات



زاخیل وال: برخی وکلا در قاچاق مواد مخدر و شراب دست دارند

اگر زاخیل وال اسناد ارایه نکند

با برخورد جدی مواجه می شود



وزیر مالیه کشور گفته است که یک حلقه کوچک در شورای ملی در قاچاق مواد مخدر و قاچاق شراب دست دارند.

حضرت عمر زاخیلوال روز گذشته در کابل به خبرنگاران گفت که این گروه کوچک قبل از کنفرانس توکیو در صدد تخریب او بوده است و اکنون که قرار است نشست برای ارزیابی کنفرانس توکیو برگزار شود، در صدد استیضاح او برآمده اند. اظهارات وزیر مالیه واکنش های تند اعضای شورای ملی را برانگیخته است.

نماینده گان شورای ملی گفته اند که اگر وزیر مالیه در خصوص اظهاراتش اسناد و شواهد موثق ارایه نکند و وکلای «قاچاقچی مواد مخدر و شراب» را افشا نسازد، آن ها علیه او اقامه دعوا خواهند کرد.

به گفته نماینده گان مجلس، وزیر مالیه شجاعت به خرج دهد و نام های کسانی را که در قاچاق مواد مخدر و شراب دست دارند، افشا کند، در غیر آن اظهارات او غیرمسئولانه پنداشته شده و با آن برخورد جدی خواهند کرد.

وزیر مالیه ادعا کرد که برخی نماینده گان از او خواسته اند که امضایی را که برای استیضاح وی جمع آوری شده است، خریداری کند.

او گفت: «از دو ماه به این طرف کوشش صورت گرفته تا برخی از اعضای مجلس نماینده گان امضای شان را بالای من به فروش برسانند و کوشش کرده اند که از هر طریق ممکن تقاضاهای شان را بالای من بقبولانند؛ تقاضاهای شان را رد کردم و خریداری این امضاها را هم رد کردم و در آینده هم به این تصمیم پایبند هستم. در گمرکات کسانی را مقرر کردیم که مانع فساد این وکلا گردند و تمام حقایق که امکان دارد برملا می سازم تا به مردم چهره های اصلی این فراد معلوم گردد.» به گفته آقای زاخیلوال، این گروه از نماینده گان «فشار وارد می کنند که افرادشان در گمرکها استخدام شوند. وقتی ما محموله های قاچاق را در مزرها ضبط می کنیم اولین کسانی که به من تلفن می کنند و خواستار رهایی این محموله ها می شوند، همین نماینده گان هستند.»

وزیر مالیه افزوده است که نام تمام این افراد را افشا و برای اثبات ادعای خود سند ارایه خواهد کرد.

وزیر مالیه نیز اعلام کرد که براساس هدایت شورای وزیران، برای شرکت در جلسه استیضاح به مجلس نخواهد رفت و شورای وزیران به او گفته است که دلایل نماینده گان مجلس برای استیضاح قانع کننده نیست.

در عین حال، وزیر مالیه می گوید که یک تعداد از اعضای مجلس به منافع ملی کشور فکر نمی اندیشند و در تلاش کارهای شخصی خودشان اند.

پیش از این مجتبی پتنگ، وزیر داخله به شورای امنیت ملی این کشور شکایت کرده بود که اعضای مجلس نماینده گان و سنا در کار او مداخله می کنند. وزیر داخله به شورای امنیت ملی گفت که در چهار ماه گذشته ۳۱ بار به مجلس نماینده گان و ۱۴ بار به مجلس سنا فراخوانده شده و بیش از ۱۵ هزار درخواست از سوی نماینده گان به دفتر وی رسیده است.

مجتبی پتنگ این درخواست ها را «مداخله های بی جای نماینده گان» در کار خود دانسته است. وزیر داخله پس از این اظهاراتش، از سوی مجلس فراخوانده شد، اما او به درخواست نماینده گان پاسخ رد داد و حاضر به جلسه عمومی مجلس نگردید.

زاخیل وال شهادت کرده اسناد ارایه کند مجلس نماینده گان وزیر مالیه را در جلسه روز شنبه این مجلس استیضاح کرده است.

صدیق احمد عثمانی عضو کمیسیون مالی و بودجه مجلس در پیوند به اظهارات وزیر مالیه به روزنامه ماندگار گفت که شاید چنین چیزی وجود داشته باشد، هنگامی که وزیر مالیه روز شنبه در جلسه استیضاح حاضر شد، باید شهادت به خرج دهد و افرادی را که اگر در قاچاق دست دارد، افشا کند.

او گفت که اگر وزیر مالیه اسناد و شواهد ارایه نکند، اظهارات او غیرمسئولانه پنداشته شده و با عکس العمل شدید مجلس نماینده گان مواجه خواهد شد.

آقای عثمانی تأکید کرد که روند استیضاح وزیر مالیه طی مراحل شده و او باید مطابق قانون به مجلس حاضر شود و در این خصوص وضاحت ارایه کند، هرگاه او بنا بر حکم رییس جهور، تصمیم خودسرانه خودش و یا هر دلیل دیگر، به مجلس حاضر نشود، این کار او به معنای تمرد از قانون اساسی پنداشته خواهد شد.

او گفت: «وزیر مالیه باید به مجلس حاضر شود و بی پرده صحبت کند، تا همه مردم بدانند که کی ها و روی کدام معاملات پنهانی، با وزیر صاحب دچار اختلاف هستند.»

به گفته عثمانی، اگر وزیر مالیه حاضر به پاسخگویی نگردد، این به معنای تبرئه خودشان از پروسه استیضاح خواهد بود.

در عین حال، این عضو مجلس گفت: موقف گیری های مجلس که نمی تواند آن را به کرسی بنشاند، شدیداً جایگاه این نهاد را صدمه زده است.

آقای عثمانی افزود که اتهام بستن به کل تالار مجلس، آن ها را تحت فشار مردم و مطبوعات قرار داده است.

برخی اعضای مجلس سنا نیز گفته اند اگر وزیر مالیه در پیوند به اظهاراتش اسناد ارایه نکند، علیه او اقامه دعوا خواهند کرد.

هدایت الله رهایی یک عضو مجلس سنا گفت که وزیر مالیه باید مستند صحبت نماید و از کلی گویی در باره شورای ملی بپرهیزد، زیرا اظهارات او باعث می شود یک بخش قوه مقننه کشور صدمه ببیند.

اتهام وزرای حکومت بر نماینده گان شورای ملی، نقش نظارتی این نهاد را شدیداً صدمه زده است.

مدت بوده و زمینه های اشتغال درازمدت را فراهم نکرده اند.

خانم افضلی گفت یافتن فرصت های اشتغال درازمدت در این سمینار بررسی خواهد شد: «خوشبختانه دولت تلاش هایی در این زمینه روی دست گرفته تا بتواند با استفاده از منابع طبیعی خود برای کارایی و برای رشد اقتصادی گام هایی بردارد.»

قرار است بانک جهانی در این زمینه حکومت افغانستان را یاری کند. نماینده بانک جهانی گفت نقش سکرتور خصوصی در برنامه اشتغال پایدار برجسته خواهد بود.

روبرو هستند. این درحالی است که همه روزه شمار زیادی از خبرنگاران افغان از سوی نهادهای دولتی و غیر دولتی مورد تهدید قرار می گیرند.

همه ساله از تاریخ سوم می به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات در سراسر جهان تجلیل می شود.

مقام های حکومت می گویند بیش از ۷۰ درصد مردم این کشور در عرصه زراعت مصروف هستند و زراعت می تواند به آسانی زمینه اشتغال درازمدت را برای مردم فراهم کند. حکومت افغانستان در پالیسی جدید خود زراعت را محور رشد اقتصادی قرار داده است. براساس این پالیسی قرار است صنایع مرتبط به زراعت نیز رشد داده شود.

در همین حال، وزیر کار و امور اجتماعی می گوید کارایی می تواند مانع شورشگری و بهبود امنیت افغانستان شود. آمنة افضلی، وزیر کار و امور اجتماعی گفت در ده سال گذشته اکثر پروژه ها کوتاه

معصومه توره رییس ارتباطات دفتر یوناما پیشرفت رسانه ها در افغانستان را طی ده سال گذشته بسیار چشم گیر توصیف کرد.

وی افزود که امنیت خبرنگاران و حق دسترسی به اطلاعات توسط خبرنگاران بسیار مهم است. وی گفت که خبرنگاران افغان با تهدیدهای مختلف

مشکل مواد مخدر در...

می شود کشتزارهای کوکنار تخریب شوند و کمک های زیادی برای کشت بدیل به دهقانان داده شده است. این بررسی سازمان ملل متحد در زمانی نشر می شود که سال ۲۰۱۴ را می گیرند. این نگرانی وجود دارد که با خروج این نیروها، کشت مواد مخدر در افغانستان بیش از این افزایش یابد.

یوری فیدوتوف، رییس اجرایی دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد گفت: «مشکل مواد مخدر در افغانستان در کوتاه مدت حل نخواهد شد، اما ما نیاز داریم که این پروسه (مبارزه با مواد مخدر) را تسریع بخشیم، خصوصاً که به سرعت به سال ۲۰۱۴ نزدیک می شویم.»

در گزارش این دفتر سازمان ملل متحد به ارتباط میان افزایش مواد مخدر و کمبود توسعه اشاره شده است. روستاهای که کوکنار کشت می کنند معمولاً از بازارها و شهرها دور قرار دارند و نسبت به مناطقی که محصولات نباتی دیگر را پرورش می دهند، مکتب های کمتری دارند. دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد در ماه اپریل گفت که کشت کوکنار در افغانستان برای سومین سال متوالی افزایش خواهد یافت و به دلیل افزایش قیمت آن در بازارها احتمالاً به ریکورد تازه ای خواهد رسید.

این اداره ملل متحد گفته است که ساحه تحت کشت کوکنار در سال گذشته ۱۸ درصد افزایش یافته و به ۱۵۴ هزار هکتار رسیده است، اما حاصلات آن ۳۶ درصد کاهش یافته و به ۳۷۰۰ تن رسیده است.

اعتصاب معلمان در...

اطراف و شماری از ولسوالی های نزدیک آن روز سه شنبه هفته گذشته شروع شد و آنها به وظایف شان حاضر نمی شوند. معلمان شاکی اند که شهرک وعده داده شده به آنها توزیع نشده است و همچنان حدود پنج ماه می شود که معاش های شان توزیع نگردیده است.

حدود ۲۰۰ تن از این معلمان روز دو شنبه (۱۶ ثور/ ۶ می) یک بار دیگر در مقابل ریاست معارف این ولایت تجمع کرده و از مقام های محلی خواستند که به خواست شان رسیده گی نمایند. آن ها که اغلباً در خانه های کرایه زنده گی می کنند، به دلیل پایین بودن معاش شان توانایی خرید خانه شخصی را نیز ندارند. ناهیده، یک تن از معلمان که در این تجمع شرکت کرده می گوید: «با آن که تمام کارهای اداری و تخنیکی شهرک معلمین تکمیل شده، اما اداره ولایت غزنی از توزیع نمرات رهایشی شهرک برای آموزگاران جلوگیری می کند.»

این معلمان هشدار داده اند تا زمانی که به خواست های شان رسیده گی نشود، به اعتصاب کاری خود ادامه می دهند. از یک هفته به این سو در مکتب های شهر و نواحی غزنی عملاً درس وجود ندارد، هرچند دروازه های مکتب ها باز است.

عبدالرحمن صمیم، یکی از معلمان لیسه سنایی در غزنی گفت: «به علت مداخلات مافیای زمین و بی پروایی مقام های محلی از پنج سال قبل فرمان رییس جمهور در رابطه به توزیع این شهرک در این ولایت عملی نشده و معلمان در غزنی با مشکلات سرپناه روبرو هستند.»

این معلمان مقام های محلی را به همکاری با مافیای زمین متهم کردند و گفتند که والی غزنی خودش مانع توزیع نمره های شهری به معلمان می شود.

مقام های ولایت غزنی می پذیرند که معلمان قشر بی بضاعت اند، اما وعده می دهند که مشکل توزیع خانه های رهایشی به معلمین به زودی حل می شود. محمد موسی اکبرزاده، اتهام همکاری با مافیای زمین را رد کرد، اما گفت که قسمت هایی از شهرک اختصاص داده شده برای معلمان غصب شده است.

اکبر زاده گفت: «تا زمانی که این شهرک تصفیه نشود، من اجازه نمی دهم که کسی آنجا ساخت و ساز را آغاز کند، چرا که من نمی خواهم معلمان به این شهرک بروند و با غاصبین زمین های این شهرک که افراد زورمند و خطرناک هستند درگیر شوند. من نمی خواهم که کدام برخوردی صورت بگیرد.»

شماری از این معلمان پس از این که مشکل شان در سطح ولایت حل نشد، عازم کابل شده اند. آنها گفته اند که اگر به مشکل شان رسیده گی نشود، در پیش روی ساختمان پارلمان دست به تظاهرات می زنند.

پالیسی مدون و پاسخگویی...

افغانستان خلق کرده است: «اول این که سبب فرار سرمایه از کشور ما شده و دوم متأسفانه این تبلیغات وسیع در حلقات مفسد در جامعه ما هم اثر خاص خود را گذاشته و سبب شده که فساد اقتصادی در جامعه بالا برود.»

ولی این مقام حکومت اطمینان داد که خروج نیروهای خارجی هیچ تاثیری بر اقتصاد این کشور نخواهد داشت.

■ اقتصاد زراعتی

هیچ کس حق امر و نهی به...

قانون دسترسی به اطلاعات یکی از قانون های است که با تصویب آن می توان گامی مهمی در پیشرفت آزادی بیان در کشور برداشت.

وزیر اطلاعات و فرهنگ وعده می دهد که این قوانین را نیز در آینده نزدیک تصویب خواهند کرد.

قانون اساسی و آرمان عدالت خواهی



(متن سخنرانی دکتر امین احمدی در همایش علمی انتخابات و گزار سیاسی در افغانستان)

۱- موثرترین گروهی که از قانون اساسی افغانستان سود می‌برد، زنان هستند. زنان به لحاظ عددی، نصف اجتماع می‌باشند اما تأثیرگذاری‌شان به لحاظ قدرت، به اندازهٔ عددشان نیست. زنان اکثریت عددی هستند ولی به لحاظ تأثیرگذاری اقلیت‌اند. با این‌همه، یکی از گروه‌های اجتماع ما که از قانون اساسی جدید نفع می‌برند، بانوان هستند. مثال شاخص و عمده‌اش، مادهٔ ۲۲ قانون اساسی است که هرگونه تبعیض را میان زن و مرد از میان برده است. یعنی اولین بار در تاریخ قانون‌گذاری افغانستان، این اتفاق افتاده که تبعیض بر اساس جنسیت ممنوع اعلام شده است. معنی و مفهوم این ماده این است که قانون باید یکسان بر زن و مرد تطبیق شود و مهم‌تر از آن، قانون باید به صورت یکسان از زن و مرد حمایت کند. اما دوم مهم‌تر از اول است؛ چون بسیاری از تبعیض‌ها است که جنبهٔ قانونی دارند. یعنی قانون خودش تبعیض‌آمیز است. اما ماده ۲۲، تبعیض بر مبنای قانون را نیز از میان برده است. از این ماده که بگذریم، ماده‌های زیادی در قانون اساسی است که روی آموزش زنان تأکید کرده است، روی فرصت‌هایی کاری زنان تأکید نموده و حتا در مواردی تبعیض‌های مثبت به نفع زنان در نظر گرفته است. از جمله، در خصوص ولسی جرگه و مشرانو جرگه، تبعیض مثبت به نفع زنان قایل شده است.

پس یکی از گروه‌های ذی‌نفع در نظام مبتنی بر قانون اساسی، بانوان است. در نگاه اول بسیار عجیب به نظر می‌رسد که زنان چه‌طور ذی‌نفع‌اند. ما وقتی اهمیت این موضوع را درک می‌کنیم که این نظام وجود نداشته باشد. یعنی اگر این حمایت قانونی از میان برداشته شود، چه اتفاقی می‌افتد. اگر این حمایت قانونی از میان برود، در امر دست‌رسی به کار، فرصت‌های شغلی، تحصیل، مسافرت و مشارکت در قدرت سیاسی محدودیت به‌وجود می‌آید. به میزانی که محدودیت به‌وجود آید، برای زن به همان میزان محرومیت به میان می‌آید. به همان میزان به‌رمندی او از یک زنانه‌گی مناسب کاهش می‌یابد. پس متضرر می‌شود.

۲- دومین گروه ذی‌نفع در قانون اساسی، رسانه‌های آزاد است. رسانه‌ها در قدم اول سود می‌برند و به صورت غیرمستقیم نیز، مردم سود می‌برند. رسانه‌ها مستقیماً سود می‌برند، چون آن‌ها حرفهٔ خود را به شکلی که ایجاب می‌کند می‌توانند انجام دهند. پس بر مبنای این قانون اساسی که آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در آن تضمین شده، تسجیل شده و انحصار دولت در این زمینه از میان رفته، رسانه‌های آزاد شکل می‌گیرند و به وجود می‌آیند. اگر آزادی بیان در قانون اساسی تثبیت و تسجیل نمی‌شد و انحصار دولت در این زمینه از میان نمی‌رفت، اساساً چیزی به نام رسانهٔ آزاد شکل نمی‌گرفت و به‌وجود نمی‌آمد. ما در قانون اساسی خود، اطلاعات‌رسانی را از وظایف حکومت و دولت دانسته‌ایم. دولت و حکومت موظف‌اند که اطلاعات را در دست‌رس مردم و رسانه‌ها قرار دهند. قرار است که طرح قانون دست‌رسی به اطلاعات نیز تهیه شود و در فرایند تصویب قرار بگیرد.

۳- گروه ذی‌نفع سوم، احزاب است. احزاب سیاسی اساساً بر مبنای این قانون اساسی موجودیت پیدا می‌کنند و در غیاب این نظام مبتنی بر قانون اساسی (مثلاً در حکومت یا سیستمی که طالبان به‌وجود آورده بود) چیزی به نام حزب سیاسی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

تاریخی برخوردار نبوده است. نزدیک به صدسال پیش، اولین قانون اساسی افغانستان تصویب شد، اما پس از مدت بسیار کوتاهی، نظام برآمده از آن فروپاشید و بعد ما به همین صورت این تجربه را تکرار کردیم تا به امروز که هشتمین نظام مبتنی بر قانون اساسی را داریم تجربه می‌کنیم.

تجربهٔ نظام مبتنی بر قانون اساسی، همیشه در افغانستان محکوم به شکست بوده و پیوسته‌گی تاریخی لازم را نیافته است. در آخرین تجربه، ما ده سال پیش قانون اساسی فعلی را به تصویب رساندیم و این نظام جدید را برقرار ساختیم. اما این‌که در قانون اساسی، مردم چه حقوقی دارند و نوع نظام سیاسی در این قانون چه‌گونه تعریف شده و داری چه امتیازاتی است و چه نواقصی در این قانون وجود دارد، بحثی جداگانه است.

به هر حال، نظام مبتنی بر قانون اساسی شکل گرفته است و در این نظام، اصلاح آن نیز پیش‌بینی شده است؛ یعنی پیش‌بینی شده که اگر ما بخواهیم این قانون را اصلاح کنیم و در وضعیت بهبود آوریم، چه راه‌هایی وجود دارد. یعنی نوعی انسداد سیاسی ایجاد نشده است.

اکنون با این پرسش مواجه هستیم که چه کار کنیم تا نظام مبتنی بر قانون اساسی فعلی ما، تداوم یابد و به شکست تاریخی دیگری تبدیل نشود؟ ما باید بتوانیم به این نظام تداوم ببخشیم، در آینده‌ها اصلاحات لازم را به میان آوریم و همیشه از راه به‌وجود آوردن اصلاح، نظام را اصلاح کنیم، قانون اساسی خود را اصلاح کنیم تا دیگر این مردم نیازمند کودتا، انقلاب، شورش مسلحانه و امثال آن نباشند. و با یک اصلاحات تدریجی کم‌هزینه که کمترین هزینهٔ ممکن را بر مردم و کشور تحمیل کند، راه اصلاح را در پیش بگیریم و به این سمت‌وسو حرکت کنیم.

خود این بحث که چه عواملی سبب می‌شوند نظام پایدار شود و به یک شکست دیگر تبدیل نگردد، یک بحث کلان است. من نمی‌توانم در این فرصت کوتاه، تمام ابعاد و جوانب این مسأله را مورد بحث و بررسی قرار دهم، بنابراین فقط به یک بخش بسیار کوچک آن اشاره می‌کنم و آن این‌که: در این قانون اساسی، یک سری گروه‌های اجتماعی ما ذی‌نفع‌اند، باید ببینیم که این گروه‌های ذی‌نفع بر اساس فرمول هزینه و فایده، چه‌گونه می‌توانند به منابع بسیار مهم و تأثیرگذار تبدیل شوند و این تلاش‌ها منجر به حفظ و تداوم نظام مبتنی بر قانون اساسی شود.

در قدم نخست، ما باید گروه‌های ذی‌نفع را در قانون اساسی شناسایی کنیم. چه کسانی از نظام مبتنی بر قانون اساسی نفع می‌برند؟ من در این جا هشت گروه را که البته بعضاً با همدیگر تداخل و هم‌پوشانی دارند، فهرست کرده‌ام. این‌ها از قانون اساسی افغانستان نفع و سود می‌برند.

یکی از موضوعات بسیار مهم در مبحث عدالت، عدالت سیاسی است و این‌که قدرت سیاسی چه‌گونه توزیع شود، چه‌گونه کنترل گردد و چه‌گونه به شکل مسالمت‌آمیز، جابه‌جا شود. این‌ها از مسایل مهم عدالت سیاسی استند و تمامی مباحثی هم که در این‌جا مطرح می‌شود، ذیل آرمان عدالت و عدالت‌خواهی قرار می‌گیرند.

اکنون می‌پردازم به این پرسش که: چه گروه‌هایی در قانون اساسی افغانستان، ذی‌نفع هستند و این گروه‌ها چه‌گونه می‌توانند در حفظ و تداوم نظام مبتنی بر قانون اساسی، موثر تمام شوند؟

برای این‌که طرح مسأله بهتر صورت گیرد، کوشش می‌کنم چند عنوان را اندکی توضیح دهم.

اولاً نظام مبتنی بر قانون اساسی چیست؟

قدرت سیاسی، پیش از آن‌که نهضتی به‌نام مشروطیت (constitutionalism) به‌وجود آید، قدرتی بود نهادینه نشده و غیرمبتنی بر قانون. یعنی ساختار قانونی نداشت، بیشتر شخصی بود، غیرنهادینه بود و این قدرت توسط مردم یا قانون کنترل نمی‌شد و یک قدرت کاملاً بی‌مهار بود. فیلسوفان عرصهٔ سیاست کوشش کرده‌اند راهی را پیدا کنند تا قدرت قابل کنترل شود و از راه‌های قانونی قابل اصلاح. بنابراین، کوشش فیلسوفان سیاست و اخلاق، متمرکز شد بر این محور که چه‌گونه می‌شود قدرت را کنترل کرد و در صورت لزوم، آن را به شیوهٔ مسالمت‌آمیز تغییر داد. آن‌ها برای این‌که به این آرمان برسند، کوشش کردند چیزی را به‌نام قانون اساسی به‌وجود آورند؛ یعنی قدرت را مبتنی سازند بر قانون اساسی. در این قانون اساسی اولاً ساختارهای اصلی قدرت و ارتباط اجزای اصلی قدرت در درون خود (این‌که از چه شاکله و صورتی باید برخوردار باشد) تعریف شد و ثانیاً این‌که قدرت چه‌گونه زمام اختیارش در دست مردم باشد، پاسخ داده شد و نکتهٔ سوم حقوق مردم تعریف و تبیین شد. زیرا تا زمانی که حقوق تعریف نشده باشد و صورت‌بندی قانونی نداشته باشد، در واقع حقوق یک چیز گنگ و مبهم است. و حقوقی که تعریف شده باشد و مبهم نباشد، اساساً وجود ندارد و کسی نمی‌تواند ادعا کند که من دارای چنین حقوقی هستم و حق من در فلان مورد نقض شده است. فقط در صورتی شخص می‌تواند ادعا کند که حقوق دارد، که این حقوق صورت‌بندی قانونی داشته باشد. وقتی صورت‌بندی قانونی پیدا کرد، می‌شود تشخیص داد که آیا حقوقش نقض شده است یا خیر.

این‌ها کارکردهای مهم قانون اساسی بودند که من به اختصار بیان کردم و در نظام مبتنی بر قانون اساسی، تمام آن‌ها صورت قانونی به خود گرفته‌اند و می‌گیرند.

نزدیک به صدسال می‌شود که ما در افغانستان تجربهٔ قانون اساسی را داریم. متأسفانه تجربه‌یی که از تداوم و پیوسته‌گی

۴- گروه ذی‌نفع چهارم، جامعهٔ مدنی در کل است. در قانون اساسی کشور در مواد گوناگون بر جامعهٔ مدنی یعنی گروه‌های غیر دولتی، سازمان‌های غیر دولتی به شکل عام تأکید شده و اساساً تأسیس و به وجود آوردن جامعهٔ مدنی، از اهداف قانون اساسی شناخته شده است. در ماده ۳۵ صورت صریح در مورد تأسیس اجتماعات و سازمان‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی تأکید شده است. در مجموع یکی از بخش‌های بسیار مهمی که در این قانون اساسی روی آن تأکید شده، جامعهٔ مدنی و ضرورت شکل‌گیری آن است. به طور خاص، ماده ۱۰ که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بر مبنای بازار آزاد مجاز شمرده و انحصار دولت را از میان برده است، خود این زمینه را برای تقویت جامعهٔ مدنی فراهم کرده است.

۵- موسسات علمی: در این عرصه نیز برای اولین بار در تاریخ افغانستان، انحصار دولت از میان رفته است. موسسات علمی‌یی که امروز به وجود آمده، از گروه‌های ذی‌نفع عمده‌یی استند که از این قانون اساسی نفع می‌برند و در نتیجه، غیر مستقیم جامعهٔ مدنی را تقویت می‌کنند. همهٔ این‌ها در واقع همدیگر را پوشش می‌دهند.

۶- ششمین گروهی که از قانون اساسی نفع می‌برد، بخش خصوصی است. مادهٔ ۱۰، بخش خصوصی را در کل و برای بخش‌های گوناگون آن جایگاه قانونی بخشیده است. دولت را موظف ساخته است که بخش خصوصی را حمایت و تشویق و مصونیت آن‌ها را تضمین نماید. وقتی که ما بخش خصوصی می‌گوییم، تجارت، آموزش، رسانه و بسیاری از عرصه‌های دیگر را شامل می‌شود و فقط عرصه‌های حاکمیتی استثنا می‌گردد. عرصه‌های حاکمیتی مثل پولیس، اردو و امثال آن. غیر از این‌ها، همه زیرمجموعهٔ بخش‌های خصوصی قرار می‌گیرند و در قانون اساسی افغانستان، انحصار دولت در این زمینه‌ها شکسته و به خود مردم واگذار شده است.

۷- هفتمین گروه ذی‌نفع، اقوام و گروه‌های قومی است. افغانستان یک کشور چندقومی است. گروه‌های قومی و زبانی فراوانی در کشور زنده‌گی می‌کنند. این‌هویت‌ها در متن قانون اساسی تسجیل شده‌اند. مثلاً در مادهٔ ۴ و ۱۶ قانون اساسی افغانستان گفته می‌شود که افغانستان متشکل از چه اقوامی است. در مادهٔ ۱۶ قانون اساسی زبان‌ها نام برده می‌شوند. این‌ها در حقیقت اشاره دارند به این‌که افغانستان یک کشور چندقومی می‌باشد. در مجموع ساختار قانون اساسی به‌گونه‌یی است که اقوام و گروه‌های قومی در این کشور از قانون اساسی، از جهات متعدد و گوناگون نفع می‌برند.

۸- هشتمین گروهی که از قانون اساسی افغانستان نفع می‌برد، مردم در مجموع است. اما از چه لحاظ؟! از حیث حاکمیت و مصونیت. یعنی مردم در مجموع دو نفع مهم و مستقیم را از قانون اساسی می‌برند: ۱- مصونیت، یعنی در قانون اساسی حقوق مردم تعریف شده و این حقوق، مصون از هر گونه تعرض دانسته شده است؛ ۲- حاکمیت از آن مردم دانسته شده است. این دو ویژگی و امتیازاتی استند که مردم افغانستان اعم از زن و مرد در منافع آن شریک می‌باشند.

حالا پرسش این است که با توجه به این گروه‌های ذی‌نفع، اگر ما نظام مبتنی بر قانون اساسی را نداشته باشیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

نخست، بدترین گزینهٔ ممکن را تصور می‌کنیم. مثلاً نظامی را که طالبان برقرار کرده بودند. در نظام طالبانی می‌بینیم که مصونیت وجود ندارد. یعنی برای هیچ فردی از افراد کشور مصونیت نیست. وقتی که قانون نباشد و حقوق مردم بر مبنای قانون تعریف نشده باشد، مصونیت وجود ندارد. دوم، حاکمیت هم وجود ندارد. چون وقتی ما سیستمی مبتنی بر انتخابات آزاد و عادلانه نداشته باشیم، مکانیسم روشن برای انتقال قدرت نداشته باشیم، چیزی به نام حاکمیت مردم نیز نخواهیم داشت. همین‌طور ما در نظام شبیه نظام طالبانیم، می‌بینیم که چیزی به‌نام احزاب سیاسی وجود ندارد، جامعهٔ مدنی وجود ندارد و تمامی چیزهایی که بر مبنای قانون اساسی امکان وجود پیدا کرده و عرض اندام کرده است نیز وجود نخواهند داشت.

در ساخت زیربناها، مدیریت ضعیف و نداشتن کارگران حرفه ای به عنوان مهم‌ترین مشکلات در راه اجرای این پروژه یاد می‌کند.

سرنوشت شهر جدید کابل

وزیر شهرسازی مشکل اساسی در تاخیر تطبیق این پروژه را تحمیل سلیقه‌های شخصی می‌داند و تأکید دارد که باید سلیقه های شخصی را دور گذاشت اگرچه وضعیت با گذشت زمان بدتر خواهد شد.

اما سرمایه گذاران با وجود تمام این مشکلات همچنان اشتیاق لازم برای آغاز کار در این شهر دارند.

بصیر عمرزی یکی از سرمایه گذارانی که می‌خواهد در این شهر مجتمع مسکونی بسازد، می‌گوید که قصد دارد بیشتر از دو میلیارد دالر در این شهر سرمایه گذاری کند.

اما انتقاد می‌کند که ناهماهنگی و عدم مدیریت درست در اداره شهر کابل جدید، باعث شد که حدود هشت سال کارهای این شهر به تعویق بیافتد.

شهر فعلی کابل، که بیش از پنج میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند با مشکلات زیادی مواجه است.

تراکم جمعیت، آلودگی آب و هوا، ساخت غیرمعیاری خانه‌ها، کاهش آبهای زیر زمینی، نبود سیستم فاضلاب از مشکلات اساسی این شهر است.

این مشکلات دست به دست هم داده و نیاز به اعمار شهر کابل جدید را بیشتر و بیشتر می‌سازد.

عده‌یی معتقدند پیش از اینکه کارد به استخوان برسد باید علاج آغاز شود.

سرنوشت کابل جدید چه شد؟

او تأکید می‌کند که تمام کارهای صورت گرفته در این پروژه با مشورت وزیر شهرسازی انجام شده است.

اما وزیر شهرسازی تأکید دارد که پیشبرد کارهای ساخت شهر جدید کابل باید به این وزارت سپرده شود.

شانزده هزار غاصب زمین

یوسف پشتون مشاور رییس جمهوری در امور پروژه‌های ساختمانی و اقتصادی نیز به این باور است که دولت در ساخت این شهر، فرصت های زیادی را از دست داده است. او غصب زمین را مشکلی بزرگتر از ناامنی در مقابل اجرای پروژه‌های ملی می‌داند و می‌گوید: «مافیای زمین و غصب زمین یکی از بزرگترین معضله‌ها است. حدود شانزده هزار نفر متهم به غصب ملکیت هستند. بیشتر از ۳ میلیون جریب زمین در افغانستان غصب شده است. غصب زمین یک وسیله بسیار بزرگ برای بدست آوردن پولهای مفت است.»

او تأیید می‌کند که مقام‌های بلند پایه دولتی در غصب زمین‌ها دست دارند.

آقای پشتون می‌گوید که حکومت در زمینه ساخت طرح جامع موفق بوده ولی در اجرای آن با مشکلات زیادی رو به رو شده است.

او از غصب زمین‌ها، نداشتن بودجه کافی، عدم سرمایه گذاری

تسهیلات عامه این شهر نیز بیست میلیارد دالر مصرف شود. (حکومت ناکام مانده است)

کمیسیون سمع شکایات مجلس سنا چند روز پیش حسن عبداللهی، وزیر شهرسازی و غلام سخی حسن زاده، رییس اجرایی اداره مستقل کابل جدید را به این کمیسیون فرا خواند.

وزیر شهرسازی در این کمیسیون اعتراف کرد که هیچ کاری در شهر جدید صورت نگرفته است.

او گفت: «هیچ مسوولیتی در برابر این شهر ندارم و باید از اداره مستقل کابل جدید در این مورد پرسیده شود.»

وزیر شهرسازی خود نیز عضو اداره مستقل شهر کابل جدید است اما او از کارکرد این اداره انتقاد می‌کند و می‌گوید حکومت در ساخت این شهر ناکام مانده است.

وزیر شهرسازی افغانستان به بی‌بی‌سی گفت: «حکومت هفت سال و پول هنگفتی را برای ساخت این شهر به هدر داده. اگر حکومت دست به کار نشود شهر جدید نیز با وضعیت بدتر از شهر فعلی کابل رو به رو خواهد شد.»

او می‌گوید که این نگرانی را در یک گزارش صد صفحه‌ای با رییس جمهور کرزی در میان گذاشته است.

اما رییس اداره مستقل کابل جدید، اظهارات وزیر شهرسازی را سردرگم کننده می‌خواند.

Mandegar

انفجار ماین کنار جاده‌یی جان دو پولیس را در کندز گرفت

مقامات محلی در ولایت کندز می‌گویند که در اثر انفجار یک ماین کنار جاده ای در ولسوالی خان آباد این ولایت، دو نفر کشته و سه تن دیگر زخمی شده اند. سید سرور حسینی سخنگوی فرماندهی امنیت ولایت کندز به بخدی گفت: حوالی ساعت ۱۰ امروز (دیروز) یک رینجر پولیس با ماین کنار جاده‌یی در ولسوالی خان آباد برخورد کرد که در این رویداد یک فرمانده با یک سرباز پولیس کشته شدند.

او می‌گوید که در انفجار این ماین دو پولیس و یک زن دیگر زخمی شده اند. کندز در شمال کشور و از ولایت‌های نسبتاً امن است، اما در برخی از مناطق آن مخالفان مسلح دولت حضور و فعالیت گسترده دارند.

حملات انتحاری، کارگذاری ماین های کنار جاده‌یی و قتل های سازمان دهی شده از تاکتیک های اصلی جنگی شورشیان در این ولایت خوانده شده است.

باین حال سید سرور حسینی سخنگوی فرماندهی امنیت ولایت کندز می‌گوید که این ماین از سوی طالبان مسلح در مربوطات ولسوالی خان آباد جاسازی شده بود.



افغانستان سه نقشه متفاوت از خط دیورند دارد

آقای همایون از حکومت افغانستان خواست تا نقطه صفری مرز را برای نیروهای امنیتی مشخص کند: «واضح بسازند که کجاست نقطه صفری ما. پولیس سرحدی ما نمی‌فهمد که از کدام نقطه دفاع کند».

مقام‌های امنیتی در ولایت ننگرهار به هیات پارلمانی گفته اند که قضیه گوشته ریشه ده ساله دارد. لالی حمیدزی نماینده قندهار که ریاست این هیات را به عهده داشت، گفت از سال ۱۳۸۲ تاکنون ساخت تاسیسات نظامی از سوی نظامیان پاکستان در ولسوالی گوشته جریان داشته است. نمایندگان پارلمان از وزیر داخله و رییس امنیت ملی انتقاد کردند که چرا پیش از این در رابطه به قضیه گوشته اقدام نکرده اند.

آقای حمیدزی گفت رییس جمهور کرزی در زمانی که ستانلی مک کریستال فرمانده عمومی ناتو بود، قراردادی را با پاکستانی ها در تورخم امضا کرده است. او تاکید کرد که آقای کرزی باید در این مورد به مردم افغانستان وضاحت دهد.

این هیات از وزارت داخله خواست تا به نیازمندی های تسلیحاتی و معاش سربازان پولیس مرزی توجه جدی کند. پولیس سرحدی به این هیات شکایت کرده است که با کمبود تجهیزات نظامی و وسایل تخنیکی مواجه هستند.

«آیساف نقشی ندارد»

در همین حال، نیروهای آیساف ادعای این که پوسته مرزی گوشته از سوی نیروهای امریکایی به پاکستانی‌ها سپرده شده را رد کرد. کونتر کس، سخنگوی آیساف روز دوشنبه گفت این نیروها در جنگ گوشته نقشی ندارند. او گفت که نیروهای افغانستان و پاکستان مسوولیت های شان را درک می کنند.

سخنگوی آیساف گفت ادعای مقام‌های حکومت افغانستان را مبنی بر این که پوسته‌های ولسوالی گوشته از سوی نیروهای امریکایی به نظامیان پاکستانی سپرده شده است، رد کرد. او گفت: «اگر برخوردی صورت بگیرد و وضعیت بدتر شود هر دو طرف می توانند قضیه را به شورای امنیت سازمان ملل متحد راجع کنند». گتس گفت این برخوردها پیامدهای استراتژیک دارند و هر دو طرف گفته اند که مرز امن و با ثبات می‌خواهند.



پس از دو برخورد نیروهای افغانستان و پاکستان در ولسوالی مرزی گوشته، یک هیات پارلمانی افغانستان که از منطقه دیدن کرده است، می‌گوید نیروهای افغان نمی‌دانند که خط دیورند در کجاست.

این هیات گفت سه نقشه از روس‌ها، انگلیس‌ها و امریکایی‌ها در مورد خط دیورند در اختیار نیروهای اردوی ملی است که هر سه با هم تفاوت دارند. اعضای این هیات گفته اند که تاسیسات نظامیان پاکستان در منطقه بی اعمار شده که براساس نقشه امریکایی، خط دیورند از آن عبور می‌کند.

همایون همایون، رییس کمیسیون امور دفاعی مجلس نماینده‌گان که از منطقه سرحدی در گوشته دیدن کرده، در جلسه عمومی روز دوشنبه گفت تاسیسات نظامیان پاکستان در منطقه بی اعمار شده که براساس نقشه امریکایی، خط دیورند از آن عبور می‌کند.

نفوذ پاکستانی‌ها

این در حالی است که لطیف پدرام، عضو دیگر این هیات روز شنبه گفت که برخی از مناطق در نزدیکی مرز، به پاکستان فروخته شده است. آقای پدرام گفته است: «بخشی از سرزمین فروخته شده، تذکره توزیع شده است. تا (منطقه) کامه تذکره توزیع شده، پول داده می‌شود. هر هفته پنج صد هزار دالر داده می‌شود به خانواده‌ها. کار آن منطقه تمام است. برای ما شورای ولایتی گفت که این جا پاکستانی‌ها حکومت می‌کنند. شما فکر می‌کنید که جلال آباد بخشی از افغانستان است، چنین چیزی نیست».

با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند

When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM

نشرات رادیو آموزگار در کابل و ولایات مرکزی افغانستان

Contact Us :
 info@amuzgarfm.com
 www.amuzgarfm.com
 +93 (0) 772929111
 +93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ:

هیچ کس حق امر و نهی به رسانه‌ها را ندارد



روز گذشته از روز جهانی آزادی مطبوعات در کابل از سوی یونسکو، یو ان دی پی، وزارت اطلاعات و فرهنگ و نهادهای خبرنگاری گرامی‌داشت به عمل آمد. در این همایش که در هتل انترکانتینتال برگزار شده بود، دین محمد مہازر راشدی معاون نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، بر همکاری هر چه بیشتر حکومت با مطبوعات کشور تأکید کرد و گفت که دولت باید با تصویب قوانین، زمینه فعالیت بهتر رسانه‌ها را بیشتر فراهم سازد. وی افزود که هیچ کس حق امر و نهی کردن به رسانه‌ها را ندارد و قانون آزادی بیان نیز به همین منظور تصویب شده است.

راشدی می‌گوید که آزادی باید به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشری شناخته شود.

او همچنان خطاب به خبرنگاران و اهل مطبوعات می‌گوید



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵